

سازمان پیکر در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

# پیکار

۷۰

سال دوم - دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۹ بهار ۲۰۰۰ ریال

با زدهم شهریور ما سال گذشته،  
چکمه پوشان مسلح وابسته به رژیم ددمنشانه  
بهروستی "قارتا" حمله کردند و نزدیک به ۷۰  
نفرا ز پیرمرد ۷۰ ساله تا کودک ۴ ساله را بخون  
کشیدند این جلادان، چمران مزدور اسلحه داده و ذهن  
آنانرا موج تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی آماده کرده بود...  
اینک یکسال پس از آن جنایت هولناک، خلق قهرمان  
کردیکسرها از "وعده وعیدها" دل کند و مصمم است تا با  
مقاومت مسلحانه و بحق خویش از موجودیت و حقوق خود دفاع  
کند. مرگ بجرلادان خلق کرد، درود بر شهدای بخون خفته قارتا

## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

- تب مذکوم نیستی و دما هدی و حملات هیستریک اخیر دستگا مهی و وابسته به رژیم جمهوری اسلامی علیه کمونیستها و ما هدی خلق، ما هیست رژیم را بیش از پیش بر تندها عیان ساخت.
- رهبری فعلی ما هدی هرگز منع خودتداست که تمام حقیقت گذشته ما هدی را به تندها هدی، ایدا عفا و کادرا هی جوانش با زگوید، چرا؟! ۱۶

صفحه ۷



یکسال از قتل عام در "قارتا" گذشت! ...

## فتوای حاکم شرع:

"خون انقلابیون حلال است!!"

صفحه ۴

## نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

وزیر کار: "بعضی از آقایان می -  
گویند لغو سود ویژه، هیچ فویرسی نداشت...  
ما حتی مجبورندیم به علت فشاری که به  
ما می آمد چندبار را اطلاع بدیم... که  
از آنجا دهر کوبه بیمان خودداری کنند...  
بازسیدن خرد ادب از این فشار بیشتر میشد...  
ما میبرسیم، با توجه به اینکه کار -  
گران با لغو سود ویژه مخالف هستند، چه  
کسانی جز ما به داران و کادرفرمانیان  
به وزارت کار رفتار ما وردند؟  
وزیر کار در خلال سخنانی و نمود  
میکرد که اگر به کارگران سود ویژه  
برداخت شود تورم بیشتر میشود!

## توجه کنید!

فتوایی از  
آیت الله خمینی  
در تقدیس مالکیت

زحمتکاران توجه کنند!  
کسانی که خانه و زمین ندارند توجه کنند!  
کسانی که انتظار دارند در جمهوری  
اسلامی جایی برای زمینخواران و مفتخواران  
- او سرمایه داران خواهد بود توجه  
کنند!  
کسانی که فکر میکنند جمهوری اسلامی  
قدمی است جلوه به عقب توجه کنند!

صفحه ۶

باند بختیار،  
اشرف و اویسی  
همچنان توطئه  
میکند

صفحه ۱۶

جنبش کارگری  
و بحران  
رویزونیسم در  
لهستان

صفحه ۱۴

## در صفحات دیگر این شماره:

- معین فر: ساواکی مکتبی!! صفحه ۱۶
- پیرامون فاجعه گچساران و تحریک نیروهای انقلابی صفحه ۱۵
- موضوعگیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مکرر با مجاهدین خلق (۲) صفحه ۱۰
- سالگرد شهادت رفقا: حسن آلابوش و رفعت افراز صفحه ۱۳
- رزمندگان و مسئله رویزونیسم و سوسال امپریالیسم شوروی (۳) صفحه ۸

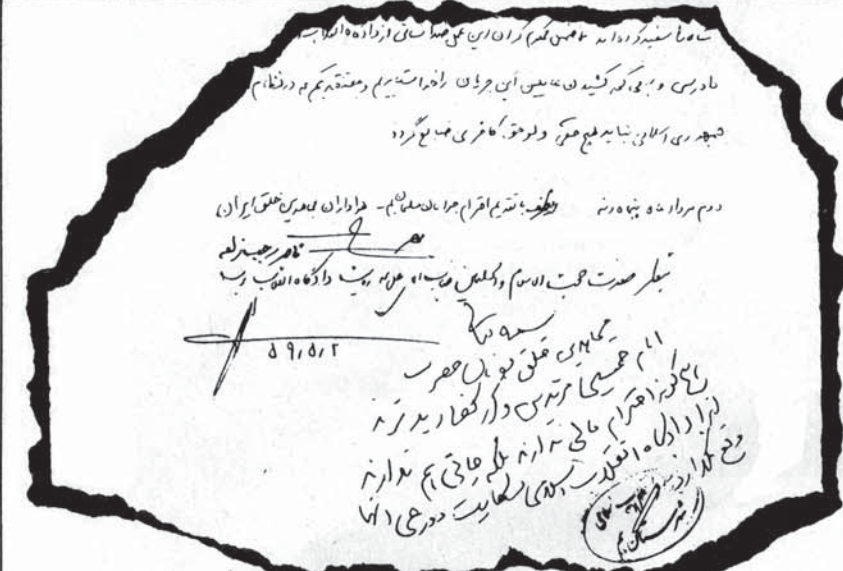
ما میبرسیم: چطور وقتیکه و امهائی  
چند میلیون تومان به سرمایه داران  
میبردازند "بیت المال" و "بالا رفتن"  
تورم با دنان میروند، اما درست موقعی  
که فرا راست سود ویژه را که قسمتی از  
دستور دنا چیز کارگران است بر دازند  
با دنان می آید که تورم بالا می رود؟  
صفحه ۴

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



# فتوای حاکم شرع: «خون انقلابیون حلال است»!!

در تاریخ ۲۴ مرداد اعلامیه‌ای از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران، خطاب به دادستان کل کشور انتشار یافته است که حاوی یک سند افشاگرانه میباشد این سند (که عیناً در همین صفحه آمده است) نشان میدهد که انجمن جوانان مسلمان شهرستان بم (هوادر مجاهدین) به "دادگاه انقلاب" این شهرستان شکایت برده - اند و خواهان مجازات عاملین حمله به کتایب و فرستادن بودزنده‌ها اند. لکن در ذیل نامه، رئیس دادگاه نوشته است که: "مجاهدین خلق فرمان حضرت امام خمینی مرتدین و زکات را بدسترنده هیچ گونه احترامی ندارند بلکه خانی میدارند. لذا دادگاه انقلاب اسلامی به شکایت دروغی آنها وقتی نگذارد" این حکم که نتیجه طبیعی رهنمودهای دایه‌ها نه "اما ما متوجه حکم شرع نمیشد، قبل از این و بسیار پیش از نطق "تاریخی آیت الله خمینی درباره مجاهدین، یعنی زمانیکه آیت الله رهنمودها پیش از در جلسات خصوصی به حکام شرع عرضه میکرد، بود و در اوقات واکتاف ایران توسط "پیروان خط امام" و چنانچه در "حزب الله" (یا حزب جمهوری اسلامی) بمورد اجرا گذاشته میشود. مدعا شهید و مجروح از میان اعضا و طرفداران مجاهدین خلق (کمونیست‌ها که جای خود دارند) حاصل فرامی‌آید "ولی امر زمان و بیباک نگریخته‌سی با بیان "حزب الهی" - ها نسبت به اصطلاح "منافقین" است. زیرا که بهر حال و بیگفته آیت الله "منافقین بدتر از زکات‌رند" و در نتیجه "هیچگونه احترامی... بلکه خانی هم ندارند" بنابراین این سندها بیان کننده موردی منحصراً بفرده میباشند و نه تخطی از جانب رئیس دادگاه "بم" صورت گرفته است. بلکه این تبلور نمودی است از عملکرد دستگاه قضایی رژیم که پیش از حکم بر آن بنحو بسیار رکیبه جواب نه‌ودد منتهای بر علیه نیروهای انقلابی و ضدا میریالیست میباشد. بهمین دلیل هم هست که می بینیم در "سینا رسا سری دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب" (دروزر ۲۵ مرداد) حکام شرعی - خواهند که در دادستان در اعدام مجاهدین و کمونیست‌ها که "معارضین و ملحدین" هستند با زرگزداشته شود، زیرا برای جلوگیری از رشد جنبش انقلابی و سازمان‌های پیش "با بدچاره‌ای اندیشید". و راه چاره به عقیده حکام شرع به بیان "سختگوی گروه ۱۳ سینا را نیست که" تعدادی از این گروه‌ها متخفا ملحد و معارضین و حکام آنها معلوم است اما آنها بی که ادعای ایدئولوژی اسلامی دارند و ظاهراً تنها مخالف درستی اقتصاددی نشان میدهند نیز در حکم معارضین هستند (و با زهم حکم - شان معلوم است - بیکار) - و هرکس سنگ پیش‌راه انقلاب و سلام ببیند از این حکم راج نیست "این اظهارات، نظریک نظریه‌گروهای از شرکت کنندگان در سینا نیست و یکبار هم بیان نشده، بلکه فقط در



کشتارها و جنایات‌های رژیم را بر طبق "قانون" مشاهده کردند مطمئناً توهشان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بیشتر خواهد بود و ما هیت ضد خلقی و ارتجاعی آنرا بهتر درک خواهیم نمود. در اینجا همچنین به سردمداران جمهوری اسلامی با بدگفت‌ها توهن خواهیم کرد، کشتارها، اعدام‌ها و بوش‌های ضد انقلابی شما به نیروهای انقلابی تحت هربوشی هرگز و هرگز قادر نخواهد بود که جلوی رشد نیروهای انقلابی و کمونیست را بگیرد. جنایات شما فقط عمرتان را کوتاه‌تر خواهد نمود. جنبش خلق‌های دل‌آورا ایران بر بهری طبقه کارگر شما با ن می‌آید و بساط شما و کلیه مرتجعین و ضدا انقلابیون را برخواهد چید و نظام جمهوری دمکراتیک خلق را برقرار خواهد نمود.

تاریخ ۲۵ مرداد سختگوی سه‌گروهی مشابه ارائه‌کننده نظر گروه‌های متبوعشان معامین فوق الذکر - سررا در سینا رسا ن نموده اند. (جمهوری اسلامی - ۲۶ مرداد) وقفات بسیار "عادل" و "انقلابی" شرکت‌کننده در سینا رهم، جعلگی یکمدا و با تکبیر خود را بین پیشنهادات درختان الهی و اسلامی را تا شد کردند. و بدین ترتیب به امپریالیست‌ها و خصوما امپریالیست آمریکا نوید دادند که بزودی حساب دشمنان آنها، یعنی کمونیست‌ها و دمکرات‌های مدهبی نظیر مجاهدین، که "ملحد و معارب" هستند "قانوناً" و "شرعاً" رسیدگی خواهد شد. در اینجا باید به کسانی که احیاناً ساده لوحانه اظهارات مذکور در بالا فقط "پیشنهاد تلقی میکنند گفت که فقط اندکی سیر کنند و بعد هنگامی که

امپریالیست و دستگیری عده‌ای از فرماندهان با دگان - ها، سرپازان و درجه‌داران پیش از پیش به فرماندهان خود بی اعتماد شده‌اند. آنها مشاهده میکنند که چگونه فرماندهان با اصطلاح "اسلامی" و "فدای امپریالیست‌ها" در روزها زحمت آمریکا و کمونیست‌های آمریکا شایسته... حرف می‌زدند. و فدا ربه‌ها و به‌خوبی روان امپریالیست‌ها از آب درمی‌آیند. آنها مشاهده میکنند در ارتش که باز - سازی شده و اسلامی شده همان ارتش شایسته است، ارتشی که فرماندهان آن زیر نظر کارشناسان و مستشار - ان امپریالیست‌ها ترتیب یافته‌اند. چگونه طبق دستور آیت الله خمینی و چمران و بنی مدرسی با بستن لوله مرا تیب (بخوان ان عت کور کورانه) حفظ شود. اما وقتی سرپازان و درجه‌داران مشاهده میکنند که این فرماندهان، آمریکا شایسته از آب درمی‌آیند (درواقع بودند) - نه فقط به این فرماندهان مزدور بلکه بدستی به کسانی که اطاعت از این مزدوران را "واجب شرعی" شمرده‌اند نیز بی اعتماد میشوند. و برعکس به نیروهای انقلابی و کمونیست که همواره ما هیت واقعی ارتش را برملا کرده‌اند پیش از پیش اعتماد دیدا میکنند.

**اخبار کوتاهی از ارتش:**  
**موج استعفای نظامیان بازگشته از کردستان افزایش یافته است**  
اکثر درجه‌داران و افسرانی که از ما موریت جنگ کردستان سیر میگردند استعفا داده و ارتش را ترک می - کنند. این استعفا دلایل مختلف دارد، از جمله ترس از جان و مشاهده مفادمت دلبرانه خلق کرد، بودلوری پیش - مرگ‌ها و با انزجار از سرکوب و حشایه‌های که ارتش در کردستان اعمال میکند... اینگونه استعفا‌ها در زمانی صورت میگیرد که برای چند ماه ما موریت جنگی بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان حق ما موریت (حق کشتار خلق کرد) (به افسران و درجه‌داران پرداخت میشود. پس از کشف کودتای ارتجاعی - امپریالیستی، بی اعتمادی سرپازان به فرماندهان پس از برملا شدن افشای کودتای ارتجاعی عوام

## بیدادگری "دادگاه‌های انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است



# جنبش کارگری



## پیروزی کارگران رادیو شهاب با بهره گیری از سلاح همبستگی

روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۳ کارگران کاخ راه ادیبو شهاب (قسمت تجاری و کابینت سازی واقع در شرق تهران که حدود ۵۰ نفر هستند) بدنبال مبارزات طولانی و چندین ماهه خود در محل دفتر شرکت در خیابان جمهوری منحن شده و اعلام کردند تا زمانی که حقوقشان برپا نماند از خروج کارفرما جلوگیری میکنند.

کارفرما قبلاً اعلام کرده بود که میخواهد پس از تمام شدن کابینت های نیم ساعتی کاخ راه را تعطیل کند. به همین خاطر کارگران تصمیم میگیرند که تا زمانی که کارفرما مواد خام را برودت نکند از خروج کابینت های ساخته شده جلوگیری نمایند. از طرف دیگر کارفرما هم چهل روز بود که حقوق کارگران را برپا نداشت و در این مدت آنها خیلی تحت فشار مالی بودند اگرچه شورای کارگران (که از عناصر مبارزی تشکیل شده است) با ابداع صندوق اعتبار تا حدی احتیاجات آنها را برآورده میکرد، اما آنها همچنان تحت فشار مالی قرار داشتند. کارگران پس از زنگواگیری کارفرما خواستار برپاداش حقوق خود و تعیین تکلیف کاخ راه شدند.

بعد از ظهر همین روز کارفرما به بهانه تمام شدن مواد خام، به بهانه سدا ران خبر میدهد و آنها تمام کارگران را با خود میبرند. در محل سبزه با کارگران بد رفتاری میشود و حتی یکی از آنها را کتک زده و در مقابل از کارفرما حمایت میکنند که البته از سدا ران سرما به جز این هم انتظار نیست. با اینهمه مقاومت و یکپارچگی کارگران آنها را مجبور میکند که در مقابل خواست کارگران تسلیم شوند. از اینرو کارفرما حقوق کارگران را برپاداش کرده و میگوید تا بعد کارگران تولید کنند و بعد از آن بر سرخواستند این قسمت را تعطیل کنند کارگران را در قسمت موتورها و تلوویزیون بکار میگیرند. به این ترتیب کارگران بیروزمندان بعد از ظهر همان روز به سرکار خود برمیگردند.

در ضمن کارگران قسمت موتورها هم از این عمل کارگران (قسمت تجاری) حمایت کرده و در قسمت خود جلوی سرپرستها و عوامل کارفرما را که میخواهند سبزه محل تحویل رفته و آنها را به هم بریزند میگیرند. پیروزی مبارزات حق طلبانه کارگران

## مبارزه کارگران تراکتورسازی تبریز در اعتراض به افزایش ساعت کار، انحلال شوراها، اخراج کارگران مبارز و...

۲- کارگران هر قا نوسنی را که از لادیکنه سودو کسای نیکه هرگز در دکارگران نمی شناسند آنرا نصب کرده با شندخوا هندیذرفت... تا ما خودمان در تدوین و تهیه قانون کار شرکت نداشتیم، قوانین آن مورد قبول ما نخواهد بود.

۳- ما خواستار برپاداش کارگران از اخراجی بویزه آقای نقرشی میباشیم.

۴- ما خواستار ۴۰ ساعت کار در هفته، تعطیل پنجشنبه ها و... میباشیم.

هنگامیکه این سخنخواستهای کارگران را اعلام میکرد صفوی با لحنی محققانه آنها را بمخبر می - گرفت. در اینموقع وی فریاد کشید: "نخند آقای صفوی!" و صفوی زیر کتک رنگارنگیهای پر کینه و خشن کارگران و خست زده خود را جمع کرد.

پس از پایان سخنان این کارگر مبارز، بغیبه کف زدنهای خود حرفهای او را تا بید کردند. صفوی نیز تا گزیر با بغیبه هماغی نشان داد ولی پیش خود فکر میکرد که چگونه با این کارگران روبرو شود. وی بهنگام صحبت بسیار رکوشید تا از پاسخ مستقیم خواستههای کارگران شانه خالی کند، اما کارگران اعلام کردند که روز شنبه ۵۹/۵/۲۵ برای گرفتن پاسخ خواستههای خود در میدان قیام اجتماع خواهند کرد.

در اینروز (۵۹/۵/۲۵) تا ساعت ۹ صبح حدود ۲۰۰ نفر در میدان قیام اجتماع کردند در این میان کارگساران وابسته به حزب توده برای به تکست کشاندن مبارزه کارگران شروع به سمپاشی کردند. آنها مسئله کودتا و خطر سقوط رژیم را پیش میکشیدند و می گفتند که در این عقبه در صفحه ۴

بدنبال مدورا اطلاعیه های از طرف کارخانه تراکتور سازی تبریز، مبنی بر افزایش ساعات کار در هفته به ۴۴ ساعت و شش روز کار در هفته بدون تاخیر، همچنین انحلال شوراها و کم شدن مرخصی سالانه و سایر قوانین ضد کارگری، بتدریج زمزمه اعتراض بین کارگران آغاز میگردد و با تلاش کارگران آگاه و مبارز سرانجام صبح روز شنبه ۵۹/۵/۲۱ حدود سیصد نفر از کارگران دست از کار کشیدند و در سالن قسمت اداری اجتماع میکنند. آنها شعار میدادند: "اگر لیش هفته در فرج ساعت (کار هفته ای چهل ساعت) کارگر لبریا و لسون، آمریکا نابود و لسون" (کارگران متحد شوند، آمریکا نابود) "کارگر لبریا و لسون، شورا را تشکیل اولسون" (کارگران متحد شوند، شوراها تشکیل بشه) "کارگر لبریا و لسون، به نختننه تعطیل اولسون (کارگران متحد شوند، پنجشنبه ها تعطیل بشه)

پس از مدتی شعار دادن حدود ساعت ۹/۳۰ صبح صفوی مدبرعامل جدید که از طرف سازمان گسترش و توسعه سازی صنایع معرفی شده است، بمیان کارگران میرود تا با اطلاع به خواستههای آنها پاسخ گوید. در این هنگام از آنها که سالن مذکور کوچک بود و تعداد کارگران به حدود سیصد نفری میرسید آنها پیشنها دکردند که بمیدان قیام بیرون تا تجدید عهدی هم روزهای برنکوه جنبش مردم کرده باشند! کارگران در حالیکه پایهای خود را محکم به زمین می گویند بنیادینا تکرار شعارهای مذکور با شور و شوق چشمگیری بطرف میدان قیام حرکت میکنند. در حین حرکت، دسته های دیگری از کارگران به صف دوستان می پیوستند بطوریکه وقتی صفوی میخواست صحبت کند پیش از ۲۰۰ نفر اجتماع کرده بودند. (البته از کارمندان کسی شرکت نکرده بود.)

در این اجتماع ابتدا چند تن از کارگران صحبت کردند و در خلال سخنان نشان نسبت به انحلال شورا، اخراج نمایندگان نشان بخصوص نقرشی اعتراض کرده و خواستار تدوین قانون کار با حضور نمایندگان واقعی کارگران شدند. سپس سخنگوی کارگران خطاب به صفوی خواستههای کارگران را بصورت زیر بیان کرد:

۱- ما خواستار تشکیل هر چه زودتر شورا هستیم. البته نه شورا ای فرمایشی که لایحه اش بنا بر یکی اعلام شده و چاقی است علیه کارگران، بلکه شورا ای که بطور مستقل و بوسیله نمایندگان واقعی کارگران تشکیل شده باشد. (پس از اعلام هرخواست کارگران سه بار با گفتن صحیح است، آنرا تا بید میکنند.)

## مبارزات کارگران چاپ ادامه خواهد داشت

کروند، سخنرانیهای کارگران همگی حکایت از بالا بودن سطح آگاهی و همچنین روحیه مبارزه جوانان و حق طلبانه آنها داشت. یکی از کارگران در سخنان خود از جمله چنین گفت:

"عده ای که تا زهر سیده اند و پسته های بالای مملکتی را غصب کرده اند، هیچکدام به وضع ما رسیدگی نکرده و از دردمان ما خبردار نیستند."

وی پس از اعتراض شدید به لطف قانون سود ویژه گفت: "املاقا نوسنی که برای ما وضع شود بدون تصمیم و

روزی که ۵۹/۶/۲، کارگران از صنعت چاپ بمنظور کسب برخی از حقوق صنفی خود در خانه کار جمع شده و میتسنگی اعتراضی برگزار نمودند. ابتدا قرار بود از این محل یک راهپیمایی صورت بگیرد که بدلیل مخالفت تهدید آمیز وزارت کشور لغو گردید. عصر روز یکشنبه، علی رغم تبلیغات وسیعی که برای مانعیت از جمع شدن کارگران برپا شده بود، تعداد کثیری از کارگران چاپ در محل "خانه کارگر" اجتماع کردند. در این مراسم چند تن از کارگران سخنای ایراد

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



# نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

واقع همان وزارت سرمایه) فشار می آوردند و میگفتند "تکلیف ما چیست؟" مسلم است که این کارفرمایان و سرما به داران بودند که درست سره ما هوبا سربوچ که بی با بست سود ویژه کارگران را سپردا زندگت سه داما ن وزارت کار جمهوری اسلامی دولت میشدند تا با توانین ضد کارگريان نه کمک سرما به داران بیايند! وگرنه کارگران ما را اينزا ميدا نند که برای گرفتن خواستهای سرحقان ناگزيرند که بمبارزه ای بکياچه دست بزنند .

وزیر کار: "به ما انتقاد میکردند که مشکلات ما (یعنی مشکلات کارفرمایان) و اجمله مشکل پرده است سود ویژه به کارگران (برای شما ملموس نیست البته تمام این مشکلات برای ما ملموس بود." (توضیح داخل پرانتز از ما است)

از آنجا که وزیر کار خودش سرما به داران حساب کارخانه "اپتیموس" (واقع در جاده کرج) میباشد، پس کار ما طبیعی است که مشکل بقیه سرما به داران به خوبی برای ما ملموس باشد .

سرما به داران همواره از پرداخت همان حقوق نا چیز همه کارگران ناراحت هستند و دنبال فرصتی می گردند تا از آن هم کمتری بردارند و آنرا به جیب های کثا د خود بریزند. مشکل مسئولین کارخانجات مهمی بوده که میخواهند سود ویژه کارگران را قطع کنند . وزیر کار رژیم جمهوری اسلامی هم مانند بقیه سرما به داران تمام این مشکلات را کار ما ملموس می کند!! وزیر کار: "وزارت صنایع در مورد صنایع ملی شده مرتب از ما سوال می کردند و ما برای این فوریت مسئله کار ما محسوس بود."

این حرف وزیر کار نشان میدهد که وزارت صنایع هم درست مانند کارفرمایان خصوصی برای نپرداختن سود ویژه به کارگران بی تایی میکند. چرا؟ زیرا رژیم جمهوری اسلامی، دولتی طرفدار سرما به داری و استئمان کارگران است. همانطور که کارفرمایان خصوصی کارگران را استئمان میکنند و حاصل آنرا به جیب خود میزنند، رژیم جمهوری اسلامی هم سوسط وزارت صنایع کارگران کارخانجات دولتی شده را استئمان میکنند و حاصل آنرا به جیب طبقه سرما به داران میبرد و به همین جهت هم بود که به وزارت کار فشار میا ورد تا هر چه زودتر سود ویژه را قطع کنند تا آنها بتوانند بیشتر کارگران را استئمان ر کرده و به طبقه سرما به داران خدمت کنند .

وزیر کار در خلال سخنانش میگوید، تورم تندی را که در جامعه وجود دارد به گردن کارگران بیا نندازد. وی وانمود میکند که اگر به کارگران سود ویژه پرداخت شود تورم بیشتر میشود. ما می برسیم: چطور وقتیکه واهای چند میلیون تومانی به سرما به داران می پردازند "سیت المال" و "بالارفتن" تورم بدتان می رود؟ چطور زمانیکه با بت دولتی کردن بانکها و صنایع، غرامتهای چند میلیار دلاری به امیربایستهای می پردازند در صورتیکه اگر دولتی انقلابی سرکار بود آنها را ماده

در روزهای دوشنبه ۲۷ و چهارشنبه ۲۹ مرداد، تلویزیون جمهوری اسلامی در مورد سود ویژه مناظره ای ترتیب داد که بیشتر به دعوی زرگری شاست داشت. در این مناظره به ظاهر دوسه طرف مخالف هم به بحث نشسته بودند، اما در این مختصر نشان خواهیم داد که هر دو در یک صف قرار دارند و آنچه که دعا میکند فریبی بیش نیست. در مناظره مذکور سه گروه و دو نفری شرکت داشتند: گروه اول، وزیر کار (سعید زاده) و سخنانی مدیر کل سهام گردن، گروه دوم، حکیمان و کتایوری که اگر چه به لباس کارگر درآمده بودند ولی در واقع از تصمیم وزارت کار و شورای انقلاب حمایت می کردند. گروه سوم، فریبی و کتالی بودند که مانند گروه قبل اگر چه با کارگرند ولی در واقع از اردو دست خیزب جمهوری اسلامی بوده و علیرغم مخالف خوانیها شان از منافع سرما به داران حمایت می کنند و مانند بقیه کوشان برای بستن کارگران را



حتی در بدست آوردن خواستهای اولیه شان بگيرند. وزیر کار چه می گوید؟ وزیر کار رسیده تلاش می کرد تا آمارهای قلابی نشان دهد که لغو سود ویژه به نفع کارگران و سرمایه داران است. کوششهای مسخره آقای وزیر کار مثل این بود که کسی بخواد آمارهای جعلی ثابت کند که ما ست بیاهاست. نگاهی به گفته های دیگر او دروغهايش را بیشتر روشن می کند.

وزیر کار: "بعضی از آقایان می گویند، هیچ فوریتی نداشت... ولی ارتظر ما اینطور نیست، زیرا سود ویژه در بعضی از کارخانجات بصورت ما هیا نه پیر - داخت می شود و از اواظ فروردین ما هیا مراجعه می - گردند و می گفتند که تکلیف ما چیست و بیما ن سود ویژه را با بدیهه چومرئی منعقد کنیم... ما حتی مجبور شدیم به علت فشاری که بیما می آمدند بیاطلاع به بدیم... که از انعقاد هر گونه بیما ن خودداری کنند ما با بررسی کنیم... چون بعضی از کارخانجات سه ما هیکار رسود میدادند... ما رسیدن خود را با این فشار بیشتر می شد."

ما می برسیم، با توجه به اینکه کارگران با لغو سود ویژه مخالف هستند، چه کسانی به وزارت کار (با در

شرکت ما با شد بدرد نمی خورد". یکی دیگر از کارگران ضمن اعتراض به لغو قانون سود ویژه گفت: "من با حساب سرانگشتی حساب کردم که با لغو قانون سود ویژه هر سال ۵ هزار تومان از من کم سوبه جیب سرما به دارا فاهه میشود... ما با بدبختو نیم که خود ما ن با اتخا دو همیستی، حقمان را از سرما به داران بگیریم."

در پایان مراسم قطعنامه کارگران چاپ خوانده شد و سپس به نشانه اعتراض به امیربایست آمریکا پرچم این کشور به آتش کشیده شد. کارگران مبارز چاپ در قطعنامه خود مدت ۱۵ روز به مقامات مسئول فرصت داده اند تا به خواستهایشان رسیدگی نمایند. آنها همچنین اعلام کرده اند که در غیر این صورت راهپیمایی بزرگی برگزار خواهد نمود. در قسمتی از قطعنامه سندیگای کارگران چاپخانه های تهران و حومه آمده است:

- ۱- ما خواهان لغو قانون جدید سود ویژه که منقح سرما به داران استئمان را می برد است و پرداخت آن بر مبنای آخرین دستمزدها (بیما نه ای دستمعی) تا تصمیم جدیدی که با شرکت نمایندگان منتخب همه کارگران ایران اتخا نشود، میباشد.
- ۲- ما کارگران خواهان تدوین قانون کار بدست نمایندگان منتخب کارگران ایران میباشد.
- ۳- ما کارگران خواهان بازگشت کارگران بیکار بسر کار خود و جلوگیری از اخراج بی رویه کارگران میباشد.

بقیه از صفحه ۳

**مبارزه...**

شرایط اعتصاب و اجتماع سنف کودتا جیها و آمریکائیا است! آنها حتی و قیحا نه تهید میگردند که کارگران مبارزان به هیئت با کسای معرفی خواهد کرد! همدلی کارگران هوادار فداشیا ن (اکثريت) نیز یاتوده آنها موجب تفرقه بیشتر بین کارگران گردید و آنروز پراکنده شدند. ساعت ۱ بعد از ظهر همین روز (۵۹/۵/۲۵) سرزایی رئیس هیئت با کسای به کارخانه می آمد و ضمن سخنانش برای کارگران میگوید: ما به دسته را اخراج خواهیم کرد. ۱- ما و اکبها ۲- کسانیکه در جهت انقلاب نیا شد ۳- کسانیکه مشکلات امروز را به رژیم نسبت دهند و به نحوی بخواهند از آن استفاده کنند روز یکشنبه ۵۹/۵/۲۶ از طرف هیئت با کسای ما می ۸ نفر اعلام گردید. در میان این اخراج شدگان دورکتا را می افراد وابسته به رژیم مزدور شاه نام چند تن از کارگران مبارزی به چشم میخورد که در زمانه های مبارزات و اعتصابات قبل از قیام نقش فعالی داشتند و بعضی از آنها خود از اعضای فعال شورای کارگران بودند. (ادامه دارد)

**نشریه ای برای کارگران**

**از انتشارات کمیته خوزستان سازمان:**

**نفتگر، به پیش!**

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

**تازمانیکه ۳۵٪ بر دستمزدها افزوده نشده "سود ویژه" گذشته پیرداخت باید گردد!**



### کمکهای مالی دریافت شده

الف	۲۸۲۵۰	ش	۶۴۰۰	ک	۱۳۰۰۰
ب	۲۲۰۰	شک	۷۵۰۰	ک.ل	۵۲۰۰۰
ج	۵۰۰۰	چ	۱۲۰۰۰	ک.ا	۶۸۱۰۰
د	۱۳۲۵۰	"	۳۲۰۰	ک.د	۲۷۲۰۰
ه	۳۲۰۰۰	"	۶۲۰۰	ل	۲۵۰۰
و	۳۵۰۰۰	"	۷۲۰۰	م	۲۴۰۰۰
ز	۲۹۹۹۰	ط.ز.	۱۰۰۰	"	۴۳۰۰
ح	۴۲۰۰	(خانهدار)	۱۴۰۰	"	۳۰۱۰
ط	۱۳۰۰۰	ع	۴۱۰۰	"	۲۴۰۰
ق	۱۲۹۰۰	"	۱۰۰۰۰	"	۱۰۸۹۰
ک	۵۵۰۰	"	۱۰۰۰۰	"	۲۸۰۰
خ	۳۰۰۰	"	۷۰۲۰	"	۴۲۰۰
د	۳۵۰۰	"	۱۲۸۰۰	ب	۳۰۰
ر	۲۲۰۰	ع.ب	۱۰۳۰۰	"	۳۳۰۰
ز	۲۴۰۰	ع	۷۰۲۰	"	۴۱۰۰
ح	۶۲۰۰	ف	۳۰۰۰	"	۱۷۰۰
ط	۱۵۰۰	"	۱۲۷۰۰	"	۱۲۱۰۰
ق	۱۳۲۰۰	ف.ح	۲۱۴۰	ی	۳۰۰
ک	۵۰۰۰	ک	۶۲۷۱۰	"	۱۱۸۰۰
خ	۲۴۰۰	ق	۲۳۸۰۰	"	۲۱۰۰۰
د	۶۲۰۰	"	۱۱۰۰۰	"	۲۱۷۰۰
ر	۱۸۲۰۰	ک	۳۳۰۰	"	۲۱۰۰

- ۱- رفقای کارگر کوه‌رنگ به‌خانه‌های منطقه مه‌باد، کمک مالی شما رسید.
- ۲- رفیق کارگر هواداران زمان در درشت، مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۳- رفیق کارگر هواداران زمان در هوار، مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۴- رفقای هواداران زمان در کوه‌رنگ شهر کرد، مبلغ ۹۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.
- ۵- رفقای دانش‌آموز هواداران زمان در درشت، مبلغ ۲۵۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۶- رفقای دانش‌آموز هواداران زمان در نند، مبلغ ۱۳۵۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.
- ۷- رفیق (م. و) دانش‌آموز هواداران زمان در بستان‌دو آب مبلغ ۱۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۸- رفیق ش. دانش‌آموز هواداران زمان در ایرانشهر مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت شد.
- ۹- رفیق راننده زاروسیه، مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۰- رفقای هواداران زمان در شهر فراهان کفورت آلمان مبلغ ۴۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۱۱- رفیق شاهین، مبلغ ۸۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۲- رفیق ا. و. و رفیق ب. کمک مالی ات دریافت شد.
- ۱۳- رفقای بزرگ هواداران زمان، مبلغ ۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۱۴- رفقای مهدن هواداران زمان، مبلغ یک میلیون ریال کمک مالی شما دریافت شد.
- ۱۵- رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی دروشد هواداران زمان، مبلغ ۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۱۶- رفقای هواداران زمان در شهر ویران آلمان - غربی، مبلغ ۴۱۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.

### معرفی نشریه زحمتکشان

چهارمین شماره "کوه‌رنگ" نشریه زحمتکشان چهارمحل بخناری منتشر شد. این نشریه با وجود عمر کوتاه‌اش توانسته در منطقه شهر کرد با یکاهستار زیادی پیدا کند. در آخرین شماره آن از جمله آمده است:



"کودتا"، "جمهوری اسلامی یعنی این!"، "با رمنطقه و..."  
ما برای رفقای دست‌اندرکاران نشریه در راه انجام وظایف انقلابی آزادی موفقیت داریم.

### توضیح:

به‌علت محدودیت فضای پیکار، دساله‌ها نظرات یک‌سری از درسارآمدی‌ها - مسود.

## کارگران مبارز پوشش، نمایندگان اخراجی خود را پس‌کار بازگرداندند

روز چهارشنبه ۵۹/۶/۵ هشت باکس‌زی ۲۶ نفر از کارگران مبارز و نمایندگان شورای پوشش را اخراج کرده و مانع ورود آنها به کارخانه می‌شود. اما کارگران مبارز این کارخانه هم‌بیکار نشسته و ۲۶ نفر نماینده و کارگر مبارز را در داخل کارخانه استوار خود می‌کنند و بیرون‌داده‌ها را داخل کارخانه آورده و به‌تظارات برده‌اند. کارگران قهرمان پوشش در این نظارات بسیار قریب‌دیرتین خود شاعر می‌دانند: "اتحاد، اتحاد، کارگران، اتحاد، علیه سرمایه‌دار، علیه امپریالیسم"، "دردیگر کارگر، مرگ سرمایه‌دار"، "مرگ براتجاء"، "اتحاد، مبارزه، بی‌پروزی".

و با این ترتیب با دیگر عا زهمبستگی و اتحاد و مقاومت کارگران را در برابر چرخان و حقیقت زده مزدوران کارفرما و انجمن اسلامی شما پیش گذاشتند. آنها با ردیگر نشان دادن که نتایج از طریق مبارزه می‌توان از اخراج کارگران مبارز و کارگاه جلوگیری کرد و در برابر قدرت همبستگی کارگران، هیچ نیرویی با رای ایستادگی ندارد.

### رزمندگان...

در شوروی عربان مبارز، همانطور که قبلاً دیده‌ایم رفقای رزمندگان ساخت امپریالیستی شوروی را بنی می‌کنند بنظر ما ریشه این باخ نفی گرای نه‌درهمین دوعا مل فوق یعنی نزلزل رویبویستی و درک غیرعربی از تحولات طبقاتی قرار دارد. رفقای رزمندگان با نفی ما هیت بورژواشی و امپریالیستی طبقه‌ها کم‌و‌اتمام دست می‌زنند. چرا؟ زیرا زمانیکه نظام ما کم‌بشوروی، سوسیالیستی از سیاسی نمی‌شود و در این حال این نظام سرمایه‌داری و امپریالیستی نیز تلمذ می‌کند، سرمایه‌داران نیز با بدشوروی جا کم‌بشوروی، در حقیقت این دیدگاه به‌نظام دیگری غیر از نظام می‌باید پنجانگانه‌سازی تولیدی معتقد می‌گردد. ما رگیم بر آنست که هیچ نظام تولیدی یعنی نظام اشتراکی اولیه برده‌داری، نشود و البته سرمایه‌داری و سوسیالیسم نظام‌های اساسی تولیدی می‌باشند و علاوه بر این مسئله تا کیدار رگمین سرمایه‌داری و کمونیسم دوران انتقالی انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا قرار دارد. ولی ما در تقابل با این آموزش‌ها رگمینی مواجه با نظام تولیدی اختراعی می‌شویم. نظامی که سرمایه‌داری است و نه سوسیالیسم (کمونیسم) است. دیدگاهی که چنین نظام مخلص و غیر واقعی را مطرح می‌سازد عملاً به‌بورژوازی خدمت می‌کند. زیرا آنچه در شوروی واقعیت دارد همان نظام تولیدی سرمایه‌داری بوده و قوانین اقتصادی را کم‌بشوروی نیز همان قوانین بورژواشی می‌سازد. حال زمانیکه دیدگاه‌های اختراعی این واقعیت واقعی می‌کنند و بر جا کمبیت بورژوازی و سرمایه‌داری امپریالیستی شوروی برده‌سازی می‌کنند، آیا به‌بورژوازی خدمت می‌کند؟ آیا طبقه‌ها را در مبارزه علیه سرمایه‌داری ملاح نمی‌کند؟ آیا در استراتژی و تاکتیک پرولتاریا اختلال بوجود می‌آورد؟ آیا مرز بندی دقیق بین دوستان و دشمنان انقلاب را مخدوش می‌سازد؟ (ادامه دارد)

میکرد) "بالا گرفتن تورم" فراموشان می‌شود اما درست موفقی که فراتر است سود ویژه را که قسمتی از دستمزدها جبر کارگران است بیدار می‌کند تا نماینده‌ها که تورم بالا می‌رود؟! جناح و وزیر کار را بیدار نشان با شکست‌ها و خائن نیز برای اغافه‌کردن دستمزدها کارگران همین گونه طسفه با می‌میکرد. اما بنی‌بنیم علت این مناسبت چیست؟ واقعیت اینست که رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه‌داران و دشمن طبقه کارگر و زحمتکشان بوده و بسا امپریالیست‌ها برایشان دا رد. بسا بر این اگر هم‌خواهد جلوی بالا رفتن تورم را بگیرد فشار آنرا بر دوش کارگر - ان و زحمتکشان وارد می‌سازد.

اکنون گوشه‌هایی از سخنان نمایندگان کارگران را (گروه دوم) که به‌تظارات طبقه کارگر و در واقع مدافع سرمایه‌داران بودند مورد بررسی قرار می‌دهیم کاتون شوراهای اسلامی (لیلاند موتوز) چه می‌گوید؟ از روی محبت‌های کنش‌ورزی و حکیمان که درون‌فراز نمایندگان شرکت کننده در مبارزه می‌باشند، نشان خواهیم داد که آنها مدافع کارگران نبوده و مستقیماً از رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و مخصوصاً از جناح سنی - صدر فاع می‌نمایند و کارگران را زیر پای می‌کنند. یکی از این دو با ملاحظ نماینده کارگران در مناظره تلویزیونی گفت: "این اعتراض در مورد سود و بی‌سود نیست... در این مورد هیچ مسئله‌ای نیست و ما موا قسبت همبستگی مسئله ما دیات مطرح نیست و بنی گوئیم که این سود ویژه که لغوشد یک حقی از توده‌های کارگران داده شده، چون آنقدر این توده مردم، این خلق مستضعف جان فشانی کردند، اینقدر از مسائل گذشته اندک‌این مسائل را هم‌دیر و آن مسائل اگر از آنها بخوانند می‌گذرند... در مورد سود ویژه‌ها هیچ یک از شوراهای اسلامی در میان نگذاشتند با کارگران محبت نکردند که ما می‌خواهیم سود ویژه را لغو کنیم و اصل هیچ چیزی هم جا بگیرد آن کنیم، وقتی این را کارگر درک می‌کند که در یک شرایطی هست که با بدبختی به انقلاب می‌کنند در آن زمان از جانشان هم‌بگذرد، چه سرمایه‌دار، چه دوما و هیچ ماه... ما می‌خواهیم فقط به کارگر شخصیت بدهند، به حسابش بنی‌آورند، حتی اگر بخوانند هیچی پیش‌ندهد فقط به حساب بنی‌آورند..." (تا کیدار زمان است)

این آقایان بجای آنکه از منافع کارگران دفاع کنند به تلویزیون رفتند آنکه عمل ضد کارگری لغوشد - و بزرگانا شید کنند. این آقایان فکرمی کنند با این حرف‌های عوام‌فروشی که برای کارگران ما دیات مطرح نیست! مینوانند بر روی ما هیت استنمار کارگانه و سرمایه‌داری دولت برده‌بکشند!

نه آقایان! اتفاقاً اینجا درست بحث بر سر مادیات است. بحث بر سر اینست که سود ویژه که قسمتی از دستمزدها کارگران است به‌حیث سرمایه‌داران برود و بسا استنمار ریشتر کارگران سودی با کارگران پرداخت کرد این به اصطلاح نمایندگان همه انتقادشان به وزارت کار در این خلاصه می‌شود که چرا با شوراها در میان نگذاشتند. ما بدیده‌ایان با خ داد که مشورت نکردن وزارت کار را شورا‌های کارگری یک امر طبیعی است. زیرا دولت حامی سرمایه‌داری برای کمک به طبقه سرمایه‌دار - دار دیگر احتیاج به مشورت با کارگران ندارد و آنچه اگر بغرض محال هم‌بشوراهای واقعی کارگری مشورت می‌شد، آنها هرگز نمی‌گفتند که چه عیبی دارد سود ویژه را قطع کنید. بدون آنکه چیزی جایگزین آن شود بلکه برای گرفتن این خواست اولیه خود مبارزه می‌کنند. (ادامه دارد)



# توجه کنید!

فتوایی از آیت الله خمینی در تقدیس مالکیت

رحمتگان توجه کنید!  
کسانی که خانه و زمین ندارند توجه کنند!  
کسانی که انتظار دارند در جمهوری اسلامی جانی برای زمینخواهان و مفتخواران و سرمایه داران نخواهد بود، توجه کنند!  
کسانی که فکر میکردند جمهوری اسلامی قدمی است به جلو، نه به عقب، توجه کنند!  
سند زیرمشتل بر ۹ فتوای جدید از آیت الله خمینی است که در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۷ از ایشان استفتا شده و همگی مهبوره مهر آیت الله می باشد. در ذیل فتواها مهورابط عمومی سپاهداران نیز مجسم میخورد که در کتاب آن نوشته است:

"در تمامی بافترا تمام موارد فوق مورد تأیید قرار گرفت اگر چه متعلق به چند ماعقل است. اما"

سوالات و فتواها بسیار روشن است و احتیاجی به توضیح چندانی از طرف ما ندارد. ما در یکبار شماره ۱۳ مورخه اول مرداد ۵۸ ضمن نقد و بررسی کوتاهی از "سخن آیت الله خمینی خطاب به ما حیوان منافع" نقل قول دیگری از ایشان آورده ایم که باز هم خواندنی است. ایشان همان یکسال پیش که هنوز بسیاری از توده های مایهت واقعی رژیم پی نبرده بودند گفته است:

"البته اجازه نخواهم داد که (مسئولین کشور) بگفتم هر - خلاف اسلام بر دارند. اسلام مالکیت را بطور مشروع تثبیت کرده و اجازه داده است."

ایشان سپس به ما حیوان منافع که طرف خطابش بوده اند تأطمینان میدهد که:

"اینجا مملکت کمونیستی نیست که دولت هر چه بخواهد بکند، مملکت اسلامی است. مالکیت را بسسه رسمیت می شناسد."

اینگونه اظهار نظرها از جانب سران خرده بورژوازی مرفه سنتی بهیچوجه برای کمونیستها امرنارهای نبوده و نیست. چرا که خرده بورژوازی بنا به ماهیت طبقاتی خود سرمایه را مقدس می شمرد و تمامی رهبران سیاسی و مذهبی این طبقه علیرغم تمام مپوشها و کلمات فریبنده و زیبا در وصف زهد و تقوی و حمایت از مستضعفین و... از این قاعده بی نیستند و موردی که در اینجا از آن سخن می رود نیز تا شیدی است بر ادعای کمونیستی ما.

در سند زیر که عین آنرا ملاحظه می کنید، آیت الله در پاسخ به سوال اول می نویسد:

"اموالی که از غیر طریق حلال در دست کسی باشد بر طبق موازین شرعی از او گرفته می شود."

آیا تاجر بزرگ با زار که یکی از آنها مثل حاج حسین مهدیان می توانستند ۸۰ میلیون تومان کل موبسه کنیان را بخرد یا حاجی ها ئی که ویلا هسای شمال شهرشان میلیونها تومان می آزد و کسانی که از "برک انقلاب" سودهای سرمایه آموری از فروش اجناس و کالا - های احتکار شده بدست می آورند، اموالشان "حلال" است؟ یا میتوان جزا طریق غارت و جباول رحمتگان مال اسرری نمود؟ یا ثروت مند شدن سرمایه داران جز

از طریق هر چه فقیر شدن رحمتگان امکان پذیر است؟  
بدیهی است که "چاقو دست خود ترا نمیبرد" و رژیم می که سرمایه داران و تاجران را در پناه خود دارد، فتوا - هایش جز حمایت از آنها، بر علیه رحمتگان نخواهد بود.

در فتوای دوم، آیت الله جدی برای ثروت نمی - شنا بدجز "تحصل از راه حلال و مراعات وظایف شرعیه" آسایس تاجران و سرمایه داران که اکنون با ریش و تسبیح حلق الله را جباول می کنند، و آنقدر به آیت الله - سخیه در صفحه ۱۲

۱۷ شهریور ۵۸ شمسی ۱۹ رجب الثانی ۱۳۳۸ هجری قمری

حضرت مبارک و رهبر عظیم الشان اسلام حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی مد ظله العالی

س از الهه عرض سلام و تحیات و فرجه استعا داریم بچند سؤال ذیل پاسخ فرمائید

- آیا اموال چه کسانی را میتوان مصادره کرد؟  
سئوال: اموال که از غیر طریق حلال در دست کسی است بر طبق موازین شرعی از او گرفته میشود؟
- آیا تحصیل ثروت از راه حلال در اسلام حرام است؟  
سئوال: هدایا که به غیر از راه حلال در دست کسی است بر طبق موازین شرعی از او گرفته میشود؟
- آیا با اجاره زمین از راه حلال خریده یا ساخته یا با رهن آورده یا به شرطی در شهر خریده یا با رهن گرفته شده است؟  
سئوال: اجاره زمین
- آیا اگر کسی زمین موات را اجاره کرده بصورت باغ یا باغچه در آن زمین با اجاره از او گرفت؟  
سئوال: اجاره زمین
- آیا اگر کسی دو عدد منزل داشته باشد یکی در روز و اجناس را در آنجا داشته باشد آیا منزل دیگر را میتواند اجاره خرید یا اجاره کرد؟  
سئوال: اجاره زمین
- آیا اگر کسی مثلاً ده جریب زمین دارد و خودش با ضرورت زراعت کردن در آن زمین باغچه یا باغچه اش را کاشت؟  
سئوال: اجاره زمین
- آیا میتوان کسی را اجیر کرد برای زراعت یا باغی اجاره ده عدد مال الا باره در بافت نما در یا باید با او گفته شود صتما باید اجرت الهل را بدهد در بافت گنجی؟  
سئوال: اجاره زمین
- آیا چه نوع مرستی در اسلام حرام است؟  
سئوال: مرستی
- در مساجد یا غیر مساجد غیر از اجل علم کسی حق دارد امام جماعت بشود؟  
سئوال: امام جماعت
- آیا زمینها بیکه مالک معین داشته و قناریهای آنرا خنجر شده بدون رضایت مالک آن میتوان کسی نصرت آن در آن خانه بسازد؟  
سئوال: اجاره زمین

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا میکنند، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و رویزیویستها از او بیدریغ حمایت میکنند.



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماشای آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

بزرگتر است؟ آیت الله خمینی مجاهدین خلق را "فربنگار" خواند و به نصیحت‌هایش دینار و زینار را از دست می‌دهد. در آن سالها با او در نجف ملاقات کرده‌اند (۱).  
این سخنراستی، به نیروهای ارتجاعی و عقب مانده و به فرصت طلبانی که آن را به تیرخ روز می‌خورند چیراغ

سیاسی روز تبدیل گشته بود. حمایت خویش را از سرنامه - های حزب (یعنی همان نوطه‌ها) که آیت الله علیه نیروهای انقلابی و جنبش خلق سیمان کشیده بود) اعلام کرد ولی به تیرخ حمله خود را متوجه نیروهای انقلابی نمود.  
آیت الله خمینی، در سخنرانی خود، علیرغم آنچه ادعا می‌نمود که "زبان را سا بجز سر راستی کرده‌اند" به

در چند ماه گذشته هیئت حاکمه نیروهای خود را شدیداً علیه نیروهای انقلابی سیخ کرده است. دامنه این حرکات تکیه توارانه همه نیروهای انقلابی و عمدتاً کمونیست‌ها را مورد هدف قرار داده اکنون مجاهدین خلق را پیش از پیش زیر ضربات خود گرفتار است. حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که مبتکر حملات علیه مجاهدین بوده است پس از تظلماتی که پیاپی آیت الله خمینی و آیت الله منتظری و غیره و نیز از طریق عناصر ارتجاعی وابسته به حزب، در مساجد و سخنرانیها، از طریق رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها، به این حرکات ضد انقلابی خود شدت بیشتری بخشیده است.

سخنرانی آیت الله خمینی در چهارم تیرماه ۵۹ سه فصل تازه در حرکات رژیم علیه نیروهای کمونیست و مجاهدین خلق بود. در آن سخنرانی که مهمترین نکات آن را در طور بعد، بطور خلاصه خواهیم آورد، آیت الله واقفیت مبارزه مجاهدین خلق در دوران رژیم‌ها را تحریف کرده و تمسکاتی بنا بر مواضع مبارزین خان برکفی که در آن سالها بی‌سایه، بی‌مان و سازش‌ناپذیر با رژیم مزدور شاه و اربابان امپریالیستش به مبارزه برخاستند نسبت داد.

قبیل از این ما همواره تا حدود متعصبانه خصمانه آیت الله علیه نیروهای چپ بوده ایم اما در مورد مجاهدین، تا بحال این چنین صریح برخورد نکرده بود. این نتیجه جنتابناپذیر و جکی می‌سازد. طبقاتی و عجز رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات فزاینده جامعه ما است. اعلام مواضع آیت الله علیه جناب حتی، یک پیروزی بزرگ برای نیروهای انقلابی ما زش تا پذیرد و کلیه کارکنان و همکاران است. هم - چنانکه اعلام این مواضع، شکست سختی است برای کلیه سازشکاران و تسلیم طلبان، شکستی برای کسانی که میکوشند جهت منافع خود، رژیم انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش سازند و با اطلاع طلبی، وسط کمربار را گرفتار، برخوردهای روبرویونیستی و فرار از مبارزه طبقاتی، جنبش خلق را در حد منافع طبقاتی خود مهار کنند.

رشد روز افزون جنبش انقلابی و چپ، رهبران جمهوری اسلامی را که با سادار منافع زمینداران، سرمایه داران و تجار و دیگر اقشار مرفه جامعه و حافظ فرهنگ ارتجاعی (از نوع ولایت فقیه) هستند بوحشت انداخت. اما هیچ در گردستان، با لاکرقتن تا رما شیبای عمومی و جکی اختلاف و تضادها را که بیس جناحهای حاکم (حزب جمهوری اسلامی و جناح سنی صدر) بر سر جکونگی مقابل با جنبش نوپا و وجودی را در دوردست و سریع نیروهای کمونیستی و کمترین با یکا دوده‌های نیروهای انقلابی دمکرات، حزب جمهوری اسلامی و پیشیمان کا مل آن، آیت الله خمینی را به یک جنبه بندی صریح در برابر جنبش خلق واداشت.

آیت الله خمینی، در سخنرانی موردهت، یکبار دیگر از جناح ارتجاعی عقب مانده هیئت حاکمه (حزب جمهوری اسلامی) بیشترین تا شد و حمایت را بعمل آورد و مهمترین سپاه و مستقیم را برای حملات آنسی بنا نهاد. قدران و اوباشان حزب جمهوری اسلامی بدست آنان داد. آیت الله خمینی، در حالیکه در آن روزها - اختلاف بین دو جناح هیئت حاکمه اوج گرفته و انفجاک بزرگ "حزب جمهوری اسلامی در نوا آیت، به مسئله

- تب ضد کمونیستی و ضد مجاهدینی و حملات هیستریک اخیر دستگاه‌های وابسته به رژیم جمهوری اسلامی علیه کمونیست‌ها و مجاهدین خلق ما هیئت رژیم را بیش از پیش بر توده‌ها عیان ساخت.
- رهبری فعلی مجاهدین هرگز نیبف خود ندانست که تمام حقیقت گذشته مجاهدین را به توده‌هایش، به اعضا و کادرهای جوانش بازگوید. چرا؟!!

سزنان داد که هر جنبی که در جنته ما هیئت طبقاتی شان را در نگرفته و بسوی مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی برتاب کند. یک تب ضد مجاهدینی خاص، با لاکرقت (تب ضد کمونیستی که همواره در اوج بوده است) - بر مقاله - های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کپهان و... سخن - رانیهای رادیویی (دعا بی وها نمی رفتن جانی و بیژاد سنیو... ) اما چه با آیت الله منتظری و متکیبسی و ربانی و... و منبرهای مساجد، بدکوشی به مجاهدین موضوع روزتان شد. اما محسوی این حملات که در سطوح مختلف صورت میگرفت آنچنان بوک بود که بیشتر رسوایی اجرا کنندگان بر ما فراموش نکرد. دعوت مجاهدین به مناظره تقدیر کار را رد و عمومیت یافت که کتا بخانه فلان مجدداً ضمن اسلامی فلان دبستان نیز مجاهدین خلق را به مناظره دعوت کرد و در جبهه‌ی ظاهری "ما بنده مجلس از کار زورن" هم که تا بر سر وز معتقد بود حدیثی که میگوید "زین روی ناخ کامسی - کرد" (!!) در ستانت و با بد آقا قبول کرد و رفتار و کردارین در زندان شیراز (سالهای ۵۲ و ۵۳) با دیگر زندانان انقلابی و مبارزانان تعصب آلود و کوتاه نظرانه بود که بعداً استبعنوان سمبل یک تفکر بسیار ارتجاعی و عقب مانده از ذهن زندان آن سالها برود. مدعی شد که میخواست ما زمان مجاهدین را در سال ۴۹ اصلاح کند و به راه راست هدایت نماید!! (جمهوری اسلامی ۲۶ مرداد ۵۹). لجن پراکنی علیه مجاهدین وسیع بوده‌های نا آگاه علیه آنان به شعار نماز جمعه هم کشید و "مرک بر ما فقیهین" بدینا "الله - اکبر" یا رها نکرادند.

در برابر این همه جوب و چما و آتش زدن کتابخانه‌ها و دستگیری و حتی قتل هواداران، رهبری مجاهدین به بشیه در صفحه ۱۲

نیروهای انقلابی تا درست ترین نهمنها را زد و آنان را به صفتی توصیف نموده که هر کسی اندکی به واقفیت اجتمعا می‌آکا‌ها ندو منافع طبقاتی جنم و رانسته با ندانند است بودن آنها را درک خواهد کرد.

و نیروهای انقلابی را که از آنها بیست علیه رژیم خود حواریا همواره کرده‌اند، بعنوان "کروهایی که بعد از انقلاب مثل فارج روشند و وفالمانا تا جسی بود" خواند، و آنها را "مناخ بی طرف انقلاب"، "سر یا کشنده غافل"، "خرمن سور"، "سر ادهنده کنسور" "دروغ کوبه مردم"، "عامل آمریکا"، "بر هم زین شده کارخانه‌ها و کتا ورزی" و "دریافت کننده بول ارخان" نامید!! او کارکنان حق طلب کارخانجات را که هنوز رسر لاقن سرما به داران خان میکنند منبهم کرده "بول میکردن تا اعصاب گند" او افرادی خانه و ممکن را که دست به میا در برخی ارخان‌های سرما به داران زده و در آن سکوت کرده‌اند "غار کور" و از ریشه همان رژیم سابق خواند. آیت الله خمینی تمام اقدامات سرکوبگرانه، تمام اقدامات ضد میگرا نیک و جعلی و تخریبهای "انتخابات" های سال گذشته را که کمترین کسی جز حزب جمهوری اسلامی از آن رضایت دارد و آنرا محکوم نمیکند، درست و فابل تا شد خواند. او جنبشی نیروهای انقلابی و مبتنی بر نظریه‌های خلق را که با اقدامات ارتجاعی رژیم مخالفتند، در کتا را فرادای فرار داد که خدمتگزاران دربارا هم بوده‌اند. آیت الله خمینی، نهادی غیر خلق ما را که در سالها بی‌سایه حقیقتان مبارزه انقلابی کرد و در آن در راه آزادی خلق با خند "افرادی درد" نامند! او گفت:

"اگر یک دردی را کشند و زطایه شما بود، آتوبت شما می‌نویسد انقلابی؟! (!!!)  
راستی کدام توهین به خلقهای ستمدیده و مبارز ما و به انقلابیون شهید و جوان سرکشان مردم، از این

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



# رزمندگان و مسئله رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم شوروی - ۳ -

گرفتن از همه آنها است. (۴)

در شوروی سوسیالیستی در درون حزب بلشویک مبارزه بین خط مشی پرولتری و نظرات و مشی بورژوازی در عرصه های مختلف بیوسته در جریان بوده است و بلاخره در شرایط خاصی رویزیونیستها در درون حزب قدرت گرفته پس از مگر رفیق استالین ویس از یک دوره کشمکش و مبارزه در درونی سرانجام بر حزب کاملاً مسلط گشته و قدرت سیاسی را به تصرف درمی آورند. رویزیونیستها ی خروشنفی "دژرا" درون "متصرف می - شوند، حزب و دیکتاتوری پرولتاریا را تغییر می دهند و آنها را به ایزا رسادات طبقاتی بورژوازی نوین تبدیل می نمایند.

تفسیر و تحولات مدا انقلابی و بورژوازی در روسیا ی

## احیا سرمایه داری و واقعیت امروز شوروی است

هما نظور که میداند نیم جامعه سوسیالیستی جا معه ای طبقاتی است و در آن مبارزه طبقاتی بیوسته در جریان دارد. در این جا معه نیروهای رشدیابنده (عنصر سوسیالیستی و در عین حال مسلط) و نیروهای میرنده (عنصر بورژوازی بطور مغلوب) در حال جدال مستمر بایکدیگرند در این جا معه بر اساس واقعیت طبقاتی موجود و خط مشی طبقاتی یعنی خط پرولتاریا با برقراری کامل سوسیالیسم و خط بورژوازی با زکشت سرمایه داری در حال مبارزه بایکدیگرند. بقول لنین جامعه سوسیالیستی "دوران کاملی پراز تضادات شدید طبقاتی میباشد. (۱)

- رد تز سوسیال امپریالیسم شوروی از جانب رزمندگان نه تنها ناشی از تزلزل رویزیونیستی آنان می باشد، بلکه همچنین از نگرشی اکونومیستی و آکادمیستی ماه می گیرد.
- رویزیونیسم بیان سیاسی - ایدئولوژیک کوشش بورژوازی در استقرار مجدد قدرت سیاسی بورژوازی میباشد.
- رویزیونیسم یک خط مشی طبقاتی است که در پی احیا سرمایه داری می باشد و رویزیونیستها حاملین خط مشی بورژوا - رویزیونیستی بوده و می کوشند در جهت تحقق اهداف طبقاتی خود یعنی احیا سرمایه داری، قدرت سیاسی را بدست گیرند.

جا معه شوروی نمیتوانست تا ثیرات قاطع و تعیین کننده ای بر زیربنای جا معه بخذارد. بدینا ل غلبه و استقرار رویزیونیسم در شوروی، حزب بلشویک تغییر ماهیت داده و به یک حزب بورژوا - رویزیونیستی کامل تبدیل شده و دیکتاتوری پرولتاریا را نابود کرده و دیکتاتوری طبقاتی بورژوازی برپا میگردد. همانطور که لنین با رها متذکر شده بود ما لکیت و اقتصاد سوسیالیستی بدون دیکتاتوری پرولتاریا معنا نمی نخواهد داشت و مسایات تولیدی اجتماعی سوسیالیستی بدون حاکمیت طبقه کارگر هرگز امکان وجود ندارد بنا بر این در شوروی نیز تحولات بورژوازی در روسیا منجر به تحولات در زیربنای گردیده و طی یک روند دیا لکتیک، سرمایه داری منفرجه و شوروی به کشوری سوسیال امپریالیستی تبدیل منگردد.

حال آیا نظام سیاسی - اقتصادی موجود در شوروی جز سرمایه داری، چیز دیگری میتواند باشد؟ همانطور که ما رکنس بارها متذکر شده است ویژگی اساسی نظام تولید سرمایه داری جدائی و انفعال تولیدکنندگان مستقیم طبقه کارگر از ابزار تولید میباشد. در این نظام پرولتاریا ما حجاب از تولید نمیشد، بلکه طبقه و دولت طبقاتی حاکم ما حجاب از تولید است. این بدیده دقیقاً همان چیزی است که در شوروی بوقوع میبویسد، یعنی شوروازی سون (با رویزیو - نیستها) قدرت سیاسی را تصرف کرده و ما لکیت دولتی برپا رتولید را به ما لکیت دولتی بورژوازی انحصاری تبدیل می نماید. در جا معه سرمایه داری شوروازی ما حجاب از تولید بوده و در نتیجه ما حجاب تولید طبقه

و "تا این دوران بنیایان نه زنده است استثمارگران مسلماً امید به احیا را در زیر میپروانند، امیدیه که به تلاش در راه احیا (سرمایه داری) می نجامد" (۲) و بهمین خاطر لنین بر آن بود که دیکتاتوری پرولتاریا "نه تنها برای پرولتاریا بلکه برای کل دوران کارنگون کرده است ضرورت دارد بلکه برای کل دوران کار مصل تاریخی نیز لازم است و آن دورانی است که سرمایه - داری را از (جا معه بدون طبقات) یعنی از کمونیسم جدا میکند". (۳)

به بیان دیگر در تمام طول جا معه سوسیالیستی از آنجا که سرمایه داری وجود دارد امکان بازگشت و احیا سرمایه داری نیز موجود است. در این جا معه طبقاتی نیروهای بورژوازی خواهند کوشید تا قدرت از دست رفته را دوباره بچنگ آورند و سرمایه داری را مستقر سازند. رویزیونیسم بیان سیاسی - ایدئولوژیک کوشش بورژوازی در استقرار مجدد قدرت سیاسی بورژوازی میباشد. رویزیونیسم یک خط مشی طبقاتی است که در پی احیا سرمایه داری میباشد و رویزیونیستها حاملین خط مشی بورژوا - رویزیونیستی بوده و می کوشند در جهت تحقق اهداف طبقاتی خود یعنی احیا سرمایه داری قدرت سیاسی را بدست گیرند. در دوران دیکتاتوری پرولتاریا، آنجا که جا معه هنوز یک جا معه طبقاتی است افکار روگرایات بورژوازی در حزب طبقه کارگر انعکاس یافته و رهبران راه سرمایه داری یعنی اپورتونیستها و رویزیونیستها بطور مداوم در درون حزب پدیدار میشوند و بقول استالین رویزیونیستها بیکوشند از درون، قدرت را بدست گیرند زیرا "دژرا از درون

هما نظور که در قبیل نوشتیم رفقای رزمندگان با طرح این مسئله که "پاسخ دقیق و علمی در مورد تز سوسیال امپریالیسم وجود ندارد، به در این تمار کیستی رسیده و بدین ترتیب تزلزل رویزیونیستی خود را در مقابل رویزیونیسم آشکار میسازند. و ما می گوئیم تزلزل در مقابل رویزیونیسم، زیرا تزلزل در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی ریشه در تزلزل در مقابل رویزیونیسم دارد. ما سفا نه با بدیگوئیم که تزلزل این رفقا تا بدان حد است که قبول "تز سوسیال امپریالیسم را از زمره اصول جنبش کمونیستی" تمیذانند (رزمندگان - ۱۱ فروردین ۵۹) و علاوه بر این تز سوسیال امپریالیسم را به مثابه یکی از اصول طبیف پیگیر جنبش کمونیستی ایران بحساب نمی آورند" (هما نجا)

علاوه بر آن در گذشته مطرح نمودیم که در تز سوسیال امپریالیسم شوروی از جانب رزمندگان نه تنها ناشی از تزلزل رویزیونیستی آنان میباشد، بلکه همچنین از نگرشی اکونومیستی و آکادمیستی ما به میگردد، زیرا این رفقا قبل از آنکه قافا دربار شند تا تحولات روسیا ناشی از استقرار رویزیونیسم را بطور صحیح و پرولتری توضیح داده و بدینا ل آن تا شرمستقیم آترا در زیربنای جا معه بررسی نمایند، از اقتصاد شروع نمیکند و بلافاصله نتیجه میگیرند اقتصاد شوروی امپریالیستی نمیشد؟! (۴)

حال با بدیبنیمت یعنی ساخت امپریالیستی شوروی از جانب رزمندگان متکی بر کدام مدرک و استنباط می باشد؟ بنظر ما یعنی ساخت امپریالیستی اقتصاد شوروی مبتوا ندر بر یکی از دو استنباط انحرافی و غیر - ما رکیستی زیرا ستوار باشد: با این رفقا معتقد به این مسئله هستند که رویزیونیسم یک جریان ایدئولوژیک خرده بورژوازی بوده و بنا بر این حاکمیت این جریان به معنی سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا نجامیده است و بدینا ل آن در شوروی یک نظام اجتماعی - اقتصادی خرده بورژوازی استقرار یافته است که در چنین صورتی بطور روشن میتوان استدلال ساخت که این دیدگاهها تعدد درک پرولتری از ماهیت رویزیونیسم و مقام و موقعیت خرده بورژوازی در عصر امپریالیسم میباشد. در صورت وجود چنین دیدگاهها انحرافی باشد گفت که این دیدگاهها سرمایه ست و اقتصاد مستقل خرده - بورژوازی در این دوران معتقد بوده و در حقیقت "راه سوم" را ممکن میدانند.

و با این رفقا معتقد به این امر میباشد که در شوروی بدینا ل از زمین رفتن سوسیالیسم، نظام اجتماعی - اقتصادی نوینی ظهور پیدا کرده است که این نظام جزوا شکل پنجگانه نظامهای اساسی تولیدی نمیشد. این دیدگاهها که انطیاق خاصی با نظرات اقتصاددانان آمریکا ش "پیل سوشی" دار در آنست که در شوروی استثمار را غلب است و طبقه و دولت حاکم، استثمار می نمایند، لیکن نمیتوان گفت که در شوروی شوروازی حاکم بوده و سرمایه داری نظام مسلط را تشکیل میدهد.

بنظر ما این دیدگاهها نیز فاقد یک مدرک علمی از تحولات در شوروی بوده و دیدگاهها غیر ما رکیستی و رویزیونیستی میباشد. اما قبل از آنکه به نقد مستقیم این دیدگاهها بپردازیم در چند کلمه واقعیت یعنی موجود در شوروی را توضیح میدهم.

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم



صاحب‌درد می‌آید. بنا بر این دولت شوروی دولتی  
بورژوازی بوده و بنا بر این اساس این ماهیت دولتی  
استثمارگرگرنیم‌بنا شده. ولی پرواضح است که این دولت  
بلحاظ نقشی که در دفاع از طبقه بورژوا-امپریالیست  
حاکم و اقتصادا میربالیستی مسلط دارد. یک دولت  
امپریالیستی و با به بیان دیگر یک دولت سوسیال  
امپریالیستی می‌باشد.  
بعلاوه در جامعه سوسیالیستی مالکیت سوسیالیستی  
بدون دیکتاتوری پرولتاریا معنا نمی‌خواهد داشت.

- دولت شوروی یک دولت استعماری است، اما دولت بورژوازی نیز می‌باشد. هر دو استعماری لزوماً یک دولت بورژوازی نمی‌باشد. حال آنکه در شوروی حزب و دولت حاکم ارگان سیادت طبقاتی بورژوازی توین می‌باشند.
  - اساساً مقوله مالکیت پدید آمده مجرد و آستره نمی‌باشد، از نظر مارکسیستی رابطه مستقیمی بین مناسبات اجتماعی حاکم و مالکیت مسلط برقرار می‌باشد.
- دیدگاهی که ماهیت بورژوازی و سرمایه دارانه اقتصاد شوروی را نمی‌کند نه تنها تزلزل خود را در برابر رویزونیسم بنیانی می‌گذارد، بلکه همچنین درک محدود و انحرافی خود را از تغییر و تحولات طبقاتی در شوروی عریان می‌سازد.

### نظام تولیدی جدید!؟

ما توجه به کل توضیحات فوق عمیق دیدگاه انحرافی  
- ای که معتقد است در شوروی دولت و طبقه استعماری  
وجود دارد اما سرمایه‌داری و بورژوازی حاکم نمی‌باشد،  
آنکا ر می‌شود. یکی از نمایندگان این دیدگاه -  
مارکسیستی "بیل سوشیز" است که در میان برخی گروه -  
های چپ ایران نیز مدافعیتی دارد. این دیدگاه  
گذشته از آنکه ماهیت طبقاتی رویزونیسم را درک  
نمی‌کند، ماهیت طبقاتی دولت را نیز نمی‌فهمد  
این دیدگاه از آنجا که نمی‌تواند ماهیت تغییر و تحولات  
رویزونیستی را درک کند و اساساً نتواند دولت را بر این  
بنا بر زبانی نمادین و بی‌ساخت کومونیستی ارائه دهد، در  
تعیین ماهیت طبقاتی دولت به انحراف درمی‌غلتد.  
این دیدگاه از آنجا که نمی‌تواند ماهیت بورژوازی  
تغییرات روسی را درک کند، حاکمیت بورژوازی  
نویس را نمی‌تواند بفهمد، این دیدگاه از آنجا که  
حاکمیت بورژوازی نویس را نمی‌فهمد، نمی‌تواند  
ماهیت تحولات زیربنایی و اقتصادی جامعه شوروی را  
درک نماید. آری در یک کلام این دیدگاه از آنجا که درک  
برولسری از ماهیت بورژوازی رویزونیسم -  
نمی‌تواند از تحولات بورژوازی در غرض زینستی  
اقتصادی درک درستی داشته باشد، آنگاه از نمایندگان نیز  
دارای چنین دیدگاهی نیست؟

اساساً مقوله مالکیت پدید آمده مجرد و آستره نمی‌باشد  
از نظر مارکسیستی رابطه مستقیمی بین مناسبات  
اجتماعی حاکم و مالکیت مسلط برقرار می‌باشد. ما رکن  
در "فرفلسفه" می‌نویسند:  
"مالکیت در هر دوران تاریخی بنوعی دیگر و تحت  
مناسبات اجتماعی کاملاً مختلفی تکامل یافته  
است. به این ترتیب تعریف مالکیت بورژوازی  
جزی جزیان مناسبات اجتماعی تولید بورژوازی  
نمی‌باشد. اگر بخواهیم برای مالکیت بنسوان  
مناسبات مستقل، مقوله‌ای خاص، ایده‌ای آستره  
(انتزاعی) و ابجدی تعریفی ارائه دهیم، این  
اگر نمی‌تواند چیزی جز یک خیال‌بافی متافیزیکی  
و با تعریف فکالی باشد."  
آنچه که جوهر کلام را رکن را تشکیل می‌دهد اینست که  
رابطه میان مالکیت و دیالکتیکی بین مناسبات اجتماعی  
موجود و مالکیت برقرار است. و دقیقاً همین آستوزش  
مارکسیستی ما را در تحلیل تحولات شوروی یاری می -  
رساند. حاکمیت بورژوازی در این کشور مسلط شدن  
مناسبات اجتماعی بورژوازی در آن رابطه متقابل و  
دیالکتیکی ما مقوله مالکیت و اقتصاد بوجود آورده و  
ماهیت بورژوازی مالکیت و اقتصاد شوروی را مشخص  
می‌گرداند. بنا بر این اقتصاد شوروی هم‌لحاظ قوانین  
حاکم بر آن و هم‌لحاظ مناسبات اجتماعی طبقاتی حاکم  
یک اقتصاد امپریالیستی می‌باشد.

کارگر را متصرف می‌کند. این طبقه سرمایه‌کار مزدوری  
پرولتاریا را استثمار می‌کند و ارزش اضافی را از آن خود  
می‌سازد و بنا بر این طبقه‌ای استثمارگر می‌باشد. در  
شوروی نیز بورژوازی نویس (از طریق مالکیت دولتی)  
صاحب ابزار تولید بوده و در نتیجه حاصل تولید را به  
تصرف درمی‌آورد. آری، آنچه در شوروی حاکم است نظام  
مزدوری است چرا که طبقه کارگر از ابزار تولید جدا  
نشد و نیروی کار را به کالات تبدیل گشته است، چرا که نیروی  
کار سرمایه‌داری به فروش رفته و رابطه کار مزدوری حاکم  
است (۵). این مشخصات دقیقاً از مشخصات نظام  
سرمایه‌داری می‌باشند، ما رکن در نوشته خود "گروندریس  
(GRUNDRIS)" به آنها اشاره می‌کنیم که رکن "به فروش  
کار به منزه به و نتیجتاً به نکل کار مزدوری یعنی  
پدید آمده‌ای خارج از تولید سرمایه‌داری می‌گیرند" (تاکید  
از ما است) (۶) اتفاقاً ذکر شده و تا کید می‌نمود که مشخصه  
اساسی نظام سرمایه‌داری همان جدائی تولیدکنندگان  
مستقیم از ابزار تولید و نظام کار مزدوری می‌باشد.

به این ترتیب با توجه به قوانین اقتصاد سیاسی  
و با توجه به واقعیت عینی موجود در شوروی شیوه تولیدی  
حاکم در این کشور سرمایه‌داری بوده و طبقه حاکم نیز  
طبقه بورژوازی می‌باشد. این واقعیت عینی را هیچ  
کومونیست بیگیری نمی‌تواند نفی کند. نفی این  
واقعیت عینی فقط به بورژوازی خدمت می‌کند. واقعیت  
سرمایه‌داری شوروی آنچنان عیان است که فقط یک  
ذهن آلوده به رویزونیسم و با عقبات دهان واقعیت  
عینی می‌تواند آنرا نفی کند. برای اینکه این واقعیت  
با زهم عیان نشود به طلب دیگری اشاره می‌کنیم. می -  
دانیم که سود موتور محرکه اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشد.  
حال اگر ما به نقش سود در اقتصاد شوروی بعنوان معیار  
اصلی فعالیتها صنعتی و تولیدی، سوزن ازر فرم  
اقتصادی ۱۹۶۵ نگاه کنیم، خلعت سرمایه‌دانه شیوه  
تولیدی حاکم بر شوروی روشنتر می‌گردد. در سیتا مسر  
۱۹۶۵ الکسی کا سیگین نخست وزیر رویزونیست شوروی  
در ادامه مسایلتها ی بورژوازی خروچچف مجموعه کالمی  
از تداوم سرمایه‌منظور افزایش استقلال اقتصادی و ابتکار  
عمل بنگاهها و شرکتها و افزایش اهمیت بنگاهها  
عمده ترین واحدا اقتصادی در اقتصاد "شوروی پیشنهاد  
می‌نماید. این پیشنهاد از آنجا که کمیته مرکزی  
حزب رویزونیست شوروی به رهبری برژنف مردندناشد  
و بطور رسمی اعلام می‌شود، از جمله مشخصات این خط مشی  
اقتصادی چنین بود:

"منظور افزایش انگیزه اقتصادی بنگاهها،  
بیشتر شدن سود و زینت دنا خصای تعیین شده  
از بالا (توسط ارگانهای سرمایه‌ری) کاسته  
شود" و "منظور هدایت بنگاهها در جهت ارتقا سطح  
کارآئی، و مملحت این است که از ناخص سود  
ناخص سود آوری استفاده شود. زیرا میزان سودنا  
حدزیای نما شکر سهمی، است که یک بنگاه در  
رابطه با درآمد خالص کشور می‌پردازد." (بتریه  
ایروستیا، شماره ۲۷، سیتا مسر ۱۹۶۵)  
بدین ترتیب روشن می‌گردد که با طرح استقلال  
بنگاهها سرمایه‌داری عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود  
آن سودسوز آوری بعنوان ناخص و نیروی محرکه  
اقتصاد شوروی بر اقتصاد این کشور حاکم می‌شود.

- (۱) - لنین: "انقلاب سوسیالیستی و حق ملل در تعیین سرنوشت خویش"
- (۲) - لنین: "انقلاب پرولتری و کاتونکی مرتد"
- (۳) - لنین: "دولت و انقلاب"
- (۴) - "تاریخچه حزب بلشویک"
- (۵) - "مادرمورداختا اقتصادی - اجتماعی شوروی در مقالات آینده ما تفصیل بیشتر سخن خواهیم گفت."

## رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



## موضوعگیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مکرر با مجاهدین خلق

با زشکارانه و ممانعت جویانه خود را با رژیم، تحت بهانه بوج وی با بهای چون "میخواهم به توده ها نشان دهم که رژیم خود به قانون خویش ملتزم نیست و بدین ترتیب رژیم را افشا کنیم" و یا "میخواهم نشان دهم که رژیم در گفتار و کردار خود صادق نیست" و... سیاست و عمل -

با بهانه دت رساندن نا جوان مردانه و خاشاکه بیکی از هواداران آن که توسط او یا شان حزب جمهوری اسلامی در آمل صورت گرفته است با زهم، این بیست لیبرالی و توهم آمیز خود را مبتلورما خسته و پرازمیدارید که: "مجاهدین خلق ایران همواره خود را ملتزم و مقید

### ادامه از شماره قبل

مجاهدین خطاب به رئیس مجلس، یعنی ها شمی رفسنجانی که خود یکی از سردمداران حزب جمهوری اسلامی می - باشد در کلیه سیاستهای خاشاکه و فدا انقلابی بر علیه خلق، در مقام عضو شورای انقلاب، وزیر کشور و کنسول رئیس مجلس، دخیل بوده است و دستش همرا ه با دیگر رهبران حزب جمهوری اسلامی تا مرفق به خون تنیده - های زحمتکش و انقلابیون و جمله مجاهدین آغشته است، در نامه ای که مشحون از ندبه و زاری است و روح حاکم بر آن همان روح سازشکارانه و مظلوم نما با نسبه است از چنین شخصی دادخواهی میکنند. آنها در مقام شکت با به رئیس مجلس میگویند:

"... شما در این قوه مقننه کشور، بهتر مینداید که قانون اساسی بصراحت تمام مکرر احق فعالیت آزاد سیاسی گروهها و احزاب را به رسمیت شناخته است. همچنین میدانید که ما به گواهی تمام شواهد مدارک و عملکردهای که در هر محکمه ای قانونی قابل طرح و رسیدگی است، طی تمام دوران بعد از انقلاب سروزنی نیز از التزام به قانون تجاوز نکرده ایم، لکن با کمال تحسب و تاسف هر روز فشارهای سیاسی و نظامی و حتی اداری اقتصادی بر "مجاهدین خلق ایران" و هواداران آن در سراسر کشور فزونی می یابد. چنانکه گوئی بیر حسب یک قانون تاریخی تا نوشته، خون و مال و حیثیت ما هیچ حریمی نداشته و هواداران ما نیز از هرگونه امنیت نسبی و فضا لی و مالی نیز محرومند." (با کیدات از ما است.)

وقتی شما نمیخواهید بدانند و نمانند که بدانید بورژوازی و کلیه طبقات استعمارگر بر ما هیئت نجا و زکرات نشان هرنوع جنایتی را روا میدارند و این جزو قانونی است که ما خط درشت و بسیار خوانا بیستایی بورژوازی و دیگر طبقات استعمارگر نوشته شده است و هرگز "تا مرثی و نا نوشته" نیست بسیار طبیعی است که از "نقض قانون" توسط بورژوازی، توسط ارتجاع حاکم دچار "تعجب و نا شایسته" بودید و یا زهم خود را ملتزم به رعایت قانون بورژوازی که خود ملتزم به آن نیست بدانید. شما در همین نامه به رئیس مجلس چندین بار از احترام - تان به قانون اساسی و التزامتان برای رعایت آن سخن گفته اید و جمله بیان داشته اید که:

"مجاهدین خلق ایران به زهم هرگونه نقادی هم که به قانون اساسی موجود داشته باشد، در عمل به کلیه ضوابط آن تا هر حدی که رسمیت داشته باشد ملتزم بوده و یا زهم هستند."

در حالیکه میدانید و می بینید که خود قانون گذار - ان هیچ التزامی بدان ندارید و هیچ وجه خود را مقید به رعایت آن نمیکند. زیرا این یک مسأله بدیهی است که قانونی که بیوسیله طبقات استعمارگر وضع میشود برای به بند کشیدن زحمتکشان و نیروهای روبرو شدات و ز نظر طبقات استعمارگر این زحمتکشان هستند که با بد موازین قانون را محترم شمرده و رعایت نمایند و الا خود و اوضاع قانون بهیچ وجه روبرو نیست خود را در جای چوب تنگ و محدود قانون محصور کند. این مسأله ای است آنقدر آشکارا آنقدر بارز و بدیهی که دیگر نیازی به استدلال و آرا شاهانه و پرا هیئت ندارد. هرگز و در هیچ کجا دیده نشده است که طبقات استعمارگر واضع قانون خود به قانون مخلوق خویش عمل کرده باشند بنا بر این "تعجب و نا شایسته" شما کمالا بیسورد است و این فقط توهم شما نسبت به ارتجاع حاکم و ما هیت طبقاتی متزلزل شما را میرساند. شما در رابطه

آیا هنوز شما (رهبری مجاهدین خلق) در نیافته اید که کوششتان برای حفظ فایده های کمونیست ها (در حالی که بسیاری هواداران شما در عمل با آنها همکاری میکنند) و عدم توجه لایز و در زیاده ای بی توجهی به مسألات انقلابی کارگران، دهقانان و خلقها و پافشاریتان برای نشان دادن این مزبندی ها به رژیم، نتوانسته و هرگز نمیتواند شما را از حملات، افترا تات و... ارتجاع مصون نگاهدارد؟

گرد فرمستی و ما لحه جویانه خود را توجیه و تفسیر کنیم. زیرا که بسیاری از توده های خلق و جمله بسیاری از توده های هوادار مجاهدین خلق در خلال زندگی روزمره خود بدلیل کردار و رفتار رژیم حاکم بخوبی در یافته اند که این رژیم حاکم با آنها نیست دلش برای آنها نمی خورد و برای آنها قانون وضع نکرده است بلکه دشمن طبقاتی آنهاست، پشتیبان سرمایه - داران است و حامی سرخ نظام سرمایه داری وابسته میباند و بهمین جهت هم فوج فوج از آن روی برمی - تابد (امری که رژیم را به هر سانداخته است) و اکثر ا بسمت نیروهای انقلابی روی می آورند. اما توده های شما غافلانه اند که رژیم آنها نیست، خمینی فردی ما فوق طبقاتی نیست، قانون اساسی بنا بر منافع زحمتکشان نیست و... ولی شما از آنجا که چشمه توده ها ندارید و بهیچ وجه نظردوخته ادویا اگر توده ها هم در محاسبات سیاسی شما جایش داشته باشند عقب مانده ترین آنها میباشند، (و این یعنی کیفیت را فدای کمیت کردن خود یک عیب بزرگ و اساسی می باشد) شما با زهم بر این سیاست عقب مانده خود اصرار میورزید. شما انرا می - کنید که باید بگذرد و فقط بگذرد - از توده هاجلو بسود و آنها را به جلوتر رهنمون شد ولی در عمل دهها قدم و بلکه صد ها هزارا قدم از توده های آگاه خلق عقب هستید و در همین حال با سیاستهای سازشکارانه خود ما نفع از این سیاستها میبرید. آیا این سیاستها سازشکارانه که شما خود را از دشمن ارتجاع کسار بکشید و نیز عم خود در فرصت مناسب بطرف قدرت خیز بردارید؟ آیا، حداقل عملگر چند ما هها اخیر هست که شما تا موخته است که ارتجاع به نسکین شما در مقابل خود کتفا میکند، بلکه خواهان تسلیم بلا شرط و تبدیل شدن شما به ابزار دردست خود می باشد. آیا این بیان ما که "ارتجاع... میکوشد تا شما را به ماش و به دست کشیدن از ما رزانه انقلابی خود برای همیشه و در غلظیدن به آغوش ارتجاع فرا خواند. شما محتاجهای رژیم در سطوح مختلف از ما ندر حزب جمهوری اسلامی، تا با ندینی صدر خمینی و... آوازه خوان این از کستر سرکوب و شتاهماند (۲)

به رعایت قوانین جمهوری اسلامی دانسته و تا زمانی که حساب و کتاب قانونی در کار باشد، از این رویه دست نخواهند داشت."

چه حساب و کتاب و قانونی؟ چرا به خود توده ها دروغ میگوئید؟ چرا بصورت ماضی در مقابل ریسرژ توهم توده ها عمل میکنید؟ چرا به افشای ما هیت قانون اساسی نمیپردازید؟ چرا واقعیت قانون و نا نوگذاری را از ظرف بورژوازی و طبقات استعمارگر برای توده های خلق و هواداران مبارز خلق افشا نمیکنید؟ مگر شما خود در نامه به رئیس مجلس نمی گوید که:

"... جمله و هجومنا سازگوشی علیه "مجاهدین خلق ایران" به نحوی سابقه ای افزایش یافته است... به حدی که به جرات میتوان گفت که در نظام طاغوتی پیشین و در زیر سیطره ی ساواک آریا مهری نیز هرگز و در هیچ شرایطی ما این چنین زیر رگسار شمت و افترا نبوده ایم."

پس چرا هنوز بر از میکنید که "تا زمانیکه حساب و کتاب قانونی در کار باشد؟ کدام حساب؟ و کدام کتاب؟ قانون؟ یا حساب و کتاب؟ بورژوازی را می - گوئید؟ شما که خود را با آن درختک می بینید، شما که رسالت خود را مبارزه با بورژوازی میدانید، پس چرا اینقدر خاک به چشم توده های ما پاشید، و با مقدس جلوه دادن قانون ظالمانه بورژوازی از ریسرژ توهم آنها جلوگیری میکنید؟ آیا جز این است که ما هیت متزلزل و بیبیش سازشکارانه و فرمستی شما این توان را از شما سلب کرده است که به عمق ما هیت استعمارگرانه و خبا نکارانه بورژوازی و لاجرم قانون دست بخت او پی ببرید؟ آیا جز این است که شما (رهبری مجاهدین) بجای انکاء به توده های مبارز خود بهیچالا به آنجا که تضادهای مدخلقی بین جناحهای در قدرت جریان دارد چشم دوخته اید؟ آیا جز این است که شما در عوض دقت در تضاد بین توده های زحمتکش خلق و رژیم ضد خلقی حاکم و بهره جویی از آن در جهت منافع خلق، جوانان و نیروی خود را بر تضاد بین دنیروی نجا و زکرات استعمارگر متمرکز کرده و انتظار بهره جویی از این تضاد به نفع خود دارید؟ اگر اینها نیست پس چیست؟ شما نمی توانید سیاستی



با تجدیدنظر در ارزیابی نا درستان نسبت به هیات  
حاکمه (که آنها را "ملی" و درجه خلع ارزیابی می-  
کردید) و وقوف و آگاهی بر ما هیت فدائیکه و ارتجایی  
آن در کلیت خویش و کلیه جناح‌های رنگارنگ آن،  
- بانگ بر مبارزه طبقاتی و انقلابی توده‌ها در اساس سیاست  
خود و چشم‌برگرفتن از نفاذ‌های درونی هیت‌ها که  
و طرفداران در فرمیستی تکیه بر یک جناح بر علیه  
جناح دیگر و "استفاده" از این نفاذ‌ها در گسترش  
مبارزه انقلابی خلق بر علیه کل رژیم‌ها کمونست‌ها

بیش گرفته‌اید با فشاری و تا کید کنید. اگر هنوز مصر  
هستید که فاصله خود را علیه ضروریات مبارزه طبقاتی  
و شرایط عینی جا معاً ز کمونیست‌های راستین همچنان  
حفظ کنید و حتی آنرا افزایش دهید. اگر هنوز ترجیح  
میدهد بجای در میان گذاشتن مشکلات و معضلات خود  
با توده‌های خلق و قبل از آن با توده‌های سازمانی و  
طرفداران آن همچنان چشم‌کمک به امثال بنی‌صدر و  
"مقامات مسئول" بدو زید. اگر هنوز از مبارزه طبقاتی  
جاری در جا معاً و عمل‌کردن انقلاب و فدا انقلاب درس نگرفته

هنوز برای شما محرز نگشته است؟ آیا هنوز شما  
(رهبری مجاهدین خلق) در نسبتاً فته‌اید که کوشش برای  
حفظ فاصله با کمونیست‌ها (در حالیکه بسیاری هواداران  
- تا در عمل با آنها همگامی می‌کنند) و عدم توجه  
لازم و در موازات ارزیابی بی‌توجهی به مبارزات انقلابی  
کارگران، دهقانان و خلق‌ها و با فشار بر این نشان  
دادن این مرزبندی‌ها به رژیم، نتوانسته و هرگز نمی-  
تواند شما را از اجملات، افتراهای و... ارتجاع مومن نگهدارد  
آیا شما خود در عمل تجربه نگردید که علیه رژیم‌ها سیاست  
غایت‌ماژنگارانه‌ها و پورتونیستی‌تان در قبال جنبش  
خلق قهرمان کرد و محکوم کردن و چپ‌نما خواندن  
کمونیست‌های چنان برکنی که خون خود را در خطه کردستان  
در راه حقوق خلق کرد و مبارزه بر علیه امپریالیسم  
اقدام می‌نمودند، جناح بنی‌صدر و مغرب‌ها - همان جناحی  
از حکومت که شما نزدیک‌ترین شدید - در روزنامه‌ها  
"عملیات خرابکارانه" شما در کردستان "برده" - سر  
داشت؟ آیا هنوز و بعد از اینکه تعداد زیادی از مبارزان  
را در هجوم ارتجاع در شهرهای مختلف از دست دادید و  
بسیاری از فدائیان اشغال شد و مقدار زیادی از  
امواتان بسرقت رفت و انحرافی بودن و نادرست بودن  
تئوری "عدم تشنج"‌تان بر شما روشن نگشته است؟ آیا  
سیاست‌ها ما لحه‌ها مانع از آن گشت که تهمت‌ها در  
کردستان به سازمان مجاهدین زده شود؟ آیا هنوز مصر  
هستید که برای قانونیت بخشیدن به خود دست‌بند  
بنی‌صدر و ارگان‌های حزب شوید؟ آیا هنوز برای اثبات  
مشروعیت خود از لیبرال‌ها بی‌خبرید؟ چون گلزاده غفوری  
و توانا نشان فردا شما را می‌جوید؟ و اقامه جدر تاسف  
آورد و در آن است که ما زمانی همچون مجاهدین خلق  
با آن پیشینه مبارزاتی، اکنون دست‌بند امپریالیستی  
مانند گلزاده غفوری و توانا نشان فردا می‌شود و از آنها  
جواز مشروعیت می‌گیرد. آیا تا شیدا نبوده‌های بی-  
احساس و مبارزان که فعلاً و نشانه‌ها هنوز شما را باری  
میدهند و از بدیل هیچ چیز و حتی جان خود دریغ ندارند  
(همان‌طور که در عمل تاکنون نشان داده‌اند) برای شما  
ارزش و ملاحظیت لازم‌ها را نداده‌اند که به لیبرال‌های فوق‌الذکر  
و بدتر از آن به رژیم‌ها متوسل می‌شود؟ آیا قرار بر اینست  
که هر چه بیشتر مورد حق، تهمت، افترا، حمله، قتل و  
کشتار واقع شود بیشتر تمکین کنید و بیشتر از سیاست  
پوشالی و محکوم به شکست مظلوم‌ها بی‌خبر شوید؟  
چرا از تاریخ درس نمی‌گیرید؟ چرا از کار تجربیات  
روزمره چشم‌پوش می‌کنید؟ چرا از اعمال دشمن در قبال  
خود و دیگر نیروهای انقلابی پند نمی‌آموزید؟ آیا هنوز  
بنایان بر این است که سرگشته و حیران - همان‌طور که  
تاکنون بوده‌است - منتظر اظفار امام و اقدامات  
بنی‌صدر باشید؟ آیا هنوز دست‌نمایان را در پیش  
بنی‌صدر بنما به شما پند و منتخبت مردم‌درازمی‌کنید و  
اورادادخواه خود قرار می‌دهید؟ آیا هنوز چهره‌مورانه  
این بورژوا رفرمیست‌ها مغرب‌ها (رهبران  
مجاهدین) روشن نگشته‌است؟ و آیا هنوز قصد دارید بر  
این سیاست‌های انحرافی که کلاً بر علیه منافع  
انقلاب و انقلابیون و بر منافع رژیم‌جمهوری اسلامی  
است با فشاری کنید؟ آیا هنوز بجای بیان واقعیات  
به توده‌های خلق و هواداران بر احساس و مبارزات خود و انکار  
بدانها مصر هستید که اظفار "مالائی" "تامل‌چالان  
نود؟ آیا... اگر هنوز معتقدید که با بیستی بر سیاستی که تاکنون

● **مجاهدین می‌گویند: "گوشی بر حسب یک قانون نا مرئی نا نوشته خون و مال  
و حیثیت ما هیچ حریمی ندارد... در صورتیکه بورژوازی و کلیه طبقات  
استثما رگربنا بر ما هیت استثما رگرا نه‌شان هر نوع جنابیتی را روا میدارند  
و این جزو قانونی است که با خط درشت و بسیار خوانا بر پیشانی بورژوازی  
و دیگر طبقات استثما رگرنوشته شده و هرگز "نا مرئی و نا نوشته" نیست .**

بر ما به‌داری وابسته .  
- با کشیدن مرز دقیق میان جنبه انقلاب و فدا انقلاب و  
زدودن برده توهم نسبت به نیروها که بر ما کارانه  
خود را درجه انقلاب جا می‌زنند .  
- با افشا و طرف‌داری از ره‌ها در دوستان دروغ‌بینی چون بنی  
- صدروا بر لیبرال‌ها و... که چهره دم‌کرات‌نما می  
بخود گرفته‌اند و با فتن دوستان واقعی خود در  
میان توده‌ها و نیروهای انقلابی دیگر بسوی  
انقلابیون کمونیست یعنی کسانی که بی‌گنایت‌ترین  
نیروی فدا می‌برایست و انقلابی در جا معاً اند .  
- با زدودن ملاحظات غیر انقلابی و دیپلماتیک در توضیح  
دوستان و دشمنان انقلاب و توضیح رابطه و اقسامی  
خودتان با انقلابیون کمونیست ،  
- و با لاخره با زنگشت به خط مضمی مقاومت انقلابی،  
خط مضمی شرکت‌فعال در مبارزه طبقاتی توده‌ها و  
مبارزه دم‌کراتیک - فدا می‌برایست آنها بر علیه  
رژیم‌کنونی و حمایت از شما جلوه‌ها و جنبه‌های واقعی  
این مبارزه در شما می‌ایماند و بخصوص در حال  
حاضر در کردستان .  
...

و شما موخته‌اید که با بیستی سیاست انقلابی و فداطمانه‌ای  
بیش بگیرید . مطمئن باشید و به خود تردید را  
ندیدید که هرگز و هرگز نخواهد توانست این راه را مدت  
مدیدی ادامه دهد . مطمئن باشید و با شیدا نبوده‌ای -  
توانید برای زمانی طولانی توده‌های پرشور خود را با  
مظلوم‌نما می‌در کنار خود نگه‌دارید . مطمئن باشید که  
از کنار رگوشان نیروهای انقلابی درون سازمان سر  
بلند نخواهند کرد و شمارا و سیاست‌ها را زنگارانه و معاشات  
جویانه‌تان را کنار نخواهند گذاشت . آری در این اعتلا  
مبارزاتی در این مبارزه دقیقاً می‌دانیم بحران  
عمیق و گسترده اقتصادی - اجتماعی جا معاً ما را این  
موقعیتی که هر لحظه نیروهای انقلابی خلق بسوی  
را دیگرا لیسیم بیشتر کشا نده می‌شوند . در این زمانی  
که روز بروز طبقه کارگر - این طبقه‌ها به آخر انقلابی -  
از اهمیت و کارآئی زیاده‌تری برخوردار می‌گردد و  
نمایندگان سیاسی بیشتر را به اجتماع عرضه می‌کند  
و بیشتر و بیشتر در آستانه بغای نقش تاریخی و انقلابی  
خود - یعنی رهبری جنبش دم‌کراتیک و فدا می‌برایست  
کشورمان بسوی جمهوری دم‌کراتیک خلق - واقع می-  
شود . در چنین زمانی نمیتوان و نباید بدبر سیاستی که  
تاکنون اتخاذ کرده‌اید تا کید کنید و الا تاریخ و مبارزه  
سخت و بی‌رحم طبقاتی درس تلخی به شما خواهد داد . درسی  
که چه‌بما برای آموختن آن تاوان زیادی از طرف شما  
و جنبش دم‌کراتیک و فدا می‌برایست خلق با بدیدارخته  
شود . ما همچنان معتقدیم که " اکنون موقعیت حساس و  
خطر کنونی وظایف استرگی را از شما طلب می‌کند اکنون  
جنبش انقلابی خلق و شما نیروهای راستین انقلابی  
بسویزه انقلابیون کمونیست اخاذ دموضی را از شما طلب  
می‌کند که نشانه‌یک خط مضمی پیگیر و انقلابی است . این  
خط مضمی پیگیر ، که اکنون شما را بخود می‌طلبد ، از شما  
میخواهد که :

مشت محکمی بردن ارتجاع و برپوزده‌کسانی که  
اکنون میکوشند تا با موج تهاجمات تبلیغاتی و فشار  
از هر سو بر ما زمان نشان شما را از موضعی قاطع و صریح  
بر علیه آنها و بی‌بستن به خط مضمی انقلابی و پیگیر -  
حذر دارند و به سازش با ارتجاع بکشاند ، فر و گوید " (۳)  
ما همچنان امید داریم که تجدیدنظر کلی را در سیاست  
لیبرالی و سازنگارانه شما بسمت یک سیاست انقلابی  
و مبارزه‌جویانه‌ها مشاهده کنیم . ما " در این آرزوی خود  
چشم‌پوش‌ها پند و دخته‌ایم ."



(۲) و (۳) - نقل قولها از پیکار شما ۶۳ مقاله  
"چهره‌ها بر ما هیت حاکمه و سخنی با مجاهدین خلق  
ایران" - قسمت دوم - می‌باشد .

# رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرال‌هاست



بغیه از صفحه ۷

مبارزیدن نوده های سازمانی و هواداران یکطرفه و ارباب حدیثا و بولکرافه احمد خمینی و سنی صدر و مفا با تکیه بر وختن آنها از طرف دیگر برداشته اند. ما در چندین ساله منجمله در سال ۶۹ و شماره ۱۰۰ - پس موضوعی رهبری ما همدین خلق را مورد نقد قرار داده ایم.

از سوی دیگر در آراء مدللجی بر آکنه های دستکاهیایی تبلیغاتی رژیم، نشریه های سازمان ما مجموعه ویژه نماز جمعه بخش متبوع در شماره اول خود (۲۰ تیر) عکس دو رفیق ما (حسین روحانی و تراب حق شناس) را چاپ کرد که با چهره دو مضاف آشنا شود؛ خالب اینکه عکسها از بریده های رفتار در آواکها خنده و کوشه ای از نشانه های دستکاه مدخلی کنونی با رژیم مدخلی گذشته را عیان میسازد.

این اصطلاح افتخار گریها علیه ما همدین و شیرو - های انقلابی و کمونیستی در آواکها و نشرها و مساجد و معارف عمومی هم دستور حزب جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران بنا بر این گذاشته اند و در مانده ای آقا با ن بقدرت رسیده و وختن از رشد نیروهای انقلابی پیش از رسیدن عیان گردید. اما حمله "بنا م انقلاب" از گان سپاه پاسداران با محمد منتظری حاوی وقحانه ترین نهمتهای ما همدین سوزیه به رفیق ما تراب حق شناس بود که در شماره پیکار (۶۷ تا ۶۹) بطور مختصر در آنها باخ داده اند.

اما آنچه در این بنا بنا بیفراموش کنیم و اقعیتی بود که بسیاری از هواداران جوان ما همدین خلق با آن روبرو شده بودند. آنها جنبه های از نا رنجی ما را مان خود را به از زبان رهبری سازمان، بلکه با زبان رژیم (از موضعی ارتجاعی) می شنیدند و میخواهیدند! زیرا رهبری ما همدین طی یکسال و نیم گذشته، همواره از گفتن همه حقیقت به هواداران و اعضای جوان خود امتناع کرده است. این رهبری تا ریح ما زمان را در وجود معدودی افراد که فعلا با این رهبری منطبق و همراهند خلاصه کرده، چنان وانمود کرده است که گویا کسانی که کمونیست شده و ما کنون در صفوف ما همدین نیستند، در تاریخ این سازمان و کلاد رجحش انقلابی سالهای گذشته، هیچ سهمی ایفا نکرده اند. دهها شهید انقلابی کمونیست، دهها غمخوار در سابق ما همدین خلق که در زندان و با خار زندان به مبارزه انقلابی ادامه داده اند و پیش از بدلولوزنگ مذهبی ما همدین را رها کرده و با بدیش ما رگسملینیم بیگانه سازی رها شدی طیفه کارگر - این طیفه با باخر انقلابی - مبارزه کرده و می کنند، هیچ بوده اند و بلکه بدتر (علیرغم برخورد انقلابی شان، گذشته) "بورتو - نیستیهای چپ ساشی" پیش نیستند! رهبری فعلی ما همدین هرگز بیخ "خودنماست که تمام حقیقت گذشته ما همدین را به توده های بن به اعما و کا دره های جوانش بازگوید، این حمله لنین چقدر گویاست که اگر تمامای همدی هم ما مافع افراد سرخورد می نمود محققا آزار میدادند."

رهبری ما همدین همه مافع گذشته را میدانند اما نه تنها آنها را نمی گویند بلکه گاه فعلا لیتنها و مبارزات برخی رفقا را که امروز در اجوب سبک سازمان کمونیستی به مبارزه ادامه میدهند - فرد دیگری، شهیدان عمر شهید، نسبت میدهند. نمونه ها را یاداب و مافعلالرومی به ذکر آنها نمی بینیم. (۲) سرگردم به مل مطلب: منظور هر چه آکا هر گردن

نوده ها به ما همدین کسانی که در آواکها رژیم جمهوری اسلامی فرار دارند. برای افشای نهمتهای ما حوا بر آواکها که به نیروهای انقلابی و ما همدین زده شده، برای غنی تر کردن بحربه انقلابی بوده های خلق و روشی کردن زوا بائی از نا ریح ما زراشی سالهای گذشته که در یکی دوسال اخیر، بسیار در معرض دروغها و لجن پراکنیها و آلودگیها قرار گرفته است و شب بیده ها مجال جولان یافته اند و بخصوص برای روشن شدن موضعی که آیت الله خمینی در آواکها سالهای ۴۰ و بعد در نجف تا سال ۵۷ داشت مباحثه ای ترتیب داده ایم با رفتار با حق شناس و حسین روحانی که از شماره آینده ملاحظه خواهد کرد.



(۲) - بطور مثال کافست از رهبری ما همدین خلق خوانسته شود شما لیت افرادی را که در عملیات نظامی مهم بین سالهای ۵۰ تا ۵۴ شرکت داشته اند منتظر سازید. توفت خواهد دیدید که چگونه رفقای کمونیست ما چه آنها که زنده اند و چه آنها که شهید شده اند در این عملیات سهم ما می داشته اند. کافست از این برادران پرسیده بود که شما به چه دلیل نوشته رفیق شهید محمد تقی شهرا مرا در مورد رجحش داشتید و وظایف کنونی آن (که در رابطه با عملیات نظامی علیه گارد اردانشگاه صنعتی (شریف) منتشر شد) را بدون آنکه اسمی از نویسندگان آن ببرید منتشر کنید؟! بلی، شما حق دارید نما ما ساد مربوط به این سالها را به اسم ما همدین انتشار دهید، ولی این تنها نصف حقیقت است، نصف دیگر حقیقت اینست که توده ها بدانند چه کسی این سند را نوشته، چه کسی وجه گمانی در رفتار عملیات شرکت داشته اند....

بورش به کتابفروشیها و چاپخانه ها همچنان ادامه دارد

حکومت جمهوری اسلامی در ادامه مساعتهای ضد دموکراتیک و ضد مردمی خود و بلاحظه وحشی که از آگاهی توده ها دارد، کتابفروشیها و چاپخانه های را که نشریات و کتب آکا هکرا نه منتسب به نیروهای انقلابی را چاپ و بیخش می کنند، مورد هجوم خود قرار داده می دهد. و این در حالی است که همه روزه، جماعت داران و قدراندان حزب جمهوری اسلامی، به کتابفروشیهای کناره خیابان حمله برده و زیر چتر حمایتی پاسداران، فروشندگان نشریات و وحشی غابری کناره خیابان را وحشیانه مورد حمله قرار می دهند.

تا کنون بسیاری از چاپخانه های که میادرت به چاپ کتب و نشریات تیروهای انقلابی می نمودند، مهروموم شده و صاحبانشان در زندانهای رژیم بسر میبرند. فقط در عرض دو ماه گذشته بالغ بر ده هزار جلد از کتابهای سازمان ما که آما ده برای بیخش بوده در چاپخانه های مختلف بدست پاسداران بغارت رفته و ما حیا ن چاپخانه ها زدا شده اند. دهها تن از هواداران انمان، فقط در رابطه با بیخش و فروش نشریات و کتب سازمانی زندان افتاده اند. هبات خاکه ما حیا م خیالی تمام گمان می برد که خواهد توانست با این گونه شیوه های "آریامهری" مانع از فعالیت آگاه - گرانه ما و دیگر نیروهای انقلابی شود، او فراموش کرده است که کمونیستها هیچگاه و تحت هیچ شرایطی دست از مبارزه در راه آزادی طیفه کارگر و دیگر زحمتکشان برنداشته و سر نخواهند داشت.

بغیه از صفحه ۶

نزدیک هستند که خطبه عقدا ازدواج فرزندان شان را هم کاه " برای تیرک" ما م قرائت میکنند چرا میخور هستند و وظایف شرعی را انجام داده اند؟! در فتوای سوم، زمینی که از مال به اصطلاح حلال خرید شده باشد به ارباب یکی رسیده باشد چه در شهر چه خارج شهر نمی شود از او گرفت. آیا این فتوا جز بیخ زمین - داران بزرگ و اعیانزاده ها و جز بیخ کنانی که نسل اندر نسل بقیمت فقر و بی خانمانی زحمتکشان زمین - ها را بخود اختصاص داده و پس از مردن آنها به اولاد - شان رسیده است می باشد؟

در فتوای چهارم هیچ حدی برای زمین موازتی که احیاناً ذکر نگردیده و بخوبی میتوان دست زمین - داران بزرگ را که از امکانات زیادی برای سرمایه - گذاری برخوردارند بلاحظه شرعی باز نگذاشت. این که با اصطلاح آن زمین موات را چگونه بقیمت اشتراک چیه کنانی "احیا" کرد، مهم نیست، اینکه در کنار همان زمین "احیا" شده کتا وزان گسترده ای جان بکنند هم مهم نیست، بلکه مهم این است که به "امل مقدس" مالکیت کوچکی رسن لطمه ای نخورد. در فتوای پنجم، سوال کننده مودبانه فقط از دو خانه که ما حب آنها فقط بیکی احتیاج دارد صحبت می کند و آیت الله خمینی گرفتن خانه اضافی را مجاز نمی - شمارد. با زهم مهم "امل مقدس" مالکیت است و اینکه زحمتکشان در همسانگی آن خانه یک سریناه گلین هم نداشته باشند مهم نیست. آیا این احکام آن حاجی - های محترم ما با آرا که حداقل خانه ای در شهر، یکی در شیراز، و دیگری در شمال دارد خوشحال نمی - کند؟

خوبحالشان! که هم خانه های دنیا را دارند و هم خانه های آخرت را!

در فتوای ششم هر چند صحبت از ده جریب (حدود یک هکتار) زمین در میان است ولی با توجه به اینکه هیچ حدی و شرطی ذکر نشده دللی ندارد که کتا مل بیش از ده جریب هم نباید. مالکیت "مالک" بر زمین بر طبق این فتوا "مقدس" است که با وجود آنکه "مالک" نمی تواند بدیا نمی خواهد در آن زراعت کند، به هیچ شکلی نمی توان بدون رضایت او زمین استفاده کرد. او می تواند بدیا نگه دارد، مالکیت زمین را بسمل خود بدلا ستفاده نگه دارد. حالا کتا ن دیگری به همان قطعه احتیاج میرم دارند بدیا ن دارند نه به مالک مربوط است نه به قانون شرعی که از او حمایت می کند.

آیت الله موسیقی را مطلقا حرام دانسته اند. عمق عقب ماندگی این بیخش بدی است که حتی خودشان نتوانستند در عمل، این فتوا را رعایت کنند. فتوای هشتم اولین سددنوع خود برای حمایت مطلق از فقر و رجحش است که بر اساس آن فرد غنی سر معمم هر چند با اصطلاح شرایط لازم به بیخشما زیودن را طبق سنتهای اسلامی دارا باشد نمی تواند بیخشما زیود این فتوا را اگر در کنار داده کاه ویژه مضمین و تسعیمی که در مورد آخوندهای ساواکی و فادال اخلاق قائل شده اند نگذاشت عمق فقریت و گروهرستی سردمداران جمهوری اسلامی را میتوان بدیهتر مشاهده کنید. بر طبق فتوای نهم زمینی را که "متعلق" به مالکی بوده و فنانش خنک شده و بدلا ستفاده است بسک فرد زحمتکش که بدون خانه و سریناه است حق ندارد در آن زمین خانه بسازد!

عدل اسلامی، حکومت مستعین و غیره یعنی همین!



## بزرگداشت پیکارگر شهید، رفیق مسلم خلیج

روزشنبه ۲۵ مرداد در محله غار (جنوب تهران) مراسم بزرگداشتی بپا در رفیق شهید مسلم خلیج که بدینال انجام یک وظیفه تشکیلاتی در اثر تصادف به شهادت رسید (پیکار ۶۸) برگزار شد.

جمعی از رفقا و همسران و آشنا سان رفیق، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر آژرف در گرد و رسولی (محل) که رفیق در بالای آن بساط فروش نشریات پیکار و دیگر نشریات انقلابی و کمونیستی و آگاهگران بهین میکرد (اجتماع کرده اند) ابتدا چند سرود فلسطینی بیخ شد. سپس با قرائت پیام "پیکار زحماتگان کود" و یک دقیقه سکوت بیاد آن رفیق شهید مراسم آغاز گشت. شعر "مراسم تدفین یک کمونیست" سروده سرشوک و متن که یکی از رفقای اهل محل بیاد آن شهید نوشته بود، و بعد از زندگینامه رفیق سوسیله رفقای او خوانده شد. سپس یکی از بچه های کوچک غار که به نام زکی رفیق صمیمی و همسران با افتخار ولی او را این چنین از دست داده بود متنی قرائت کرد که در آن قول داده بود راه رفیق خلیج را ادامه دهد و تا ریشه کن شدن سرمایه داران و مفتخوران از پای ننشیند. آنگاه پیام و خبرهای سیاسی محل به ترتیب: پیام جمعیت زنان مبارز، هواداران رزمندگان

و هواداران را که زگر خوانده شد و در پایان پیام هواداران چریکهای فدائی خلق (اقلیت) نیز بدست رفقا رسید. سرخی از شعرا را هم که از سوی جمعیت شکرگزار میشد عبارت بود از:  
گود نشین، میرز مد، کاج نشین میلیزرد  
شما ز حمتکان: نا، سن، مکن، آزاد، دی، گود  
نشین! گود نشین! این خانه های خالی  
حق مسلم نوست، این حاصل رنج نوست  
سرما به آژرف نزل نبوده، سرما به دار حق  
ترا نبوده، سرما به داری وابسته عامل هر  
گزافی، زحمتکانان ایران بریم کشند فریاد  
دیگر پس است گزانی، دیگر پس است پیکاری،  
پلاکارها و وزا لیدهای متعدد و  
تصویری از رفیق شهید مسلم خلیج برپا رچ  
- ای که سرتان نوشته شده بود: "تصویر  
و تصویرند آن نکره خلق بگریند". محیط  
مراسم از زینت می بخشد.

پیکار زمین گرامیداشت بیاد آن رفیق  
شهید و تجدید بیمان با همه شهدا در ادامه  
مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و دیگر  
زحمتکانان، از رفقای هوادار میخواهد  
که عکسهای چنین مراسمی را همراه با  
گزارش به نشریه بفرستند.

# سالگرد شهادت رفقای شهید




## حسن آلا دپوش      رفعت افراز

۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی

۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی  
۱۳۲۹ خورشیدی - ۲۳ شهریور خورشیدی

### گرامی باد خاطره شهدای بخون خفته خلق

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

## چهلمین روز شهادت رفیق محمد رسول عزیزان

روزآمداد یک معلم انقلابی، یک مبارز راهی زحمتکان، رفیق محمدرسل عزیزان، هواداریان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) که در شهرستان سیرجان به تدریس و فعالیت انقلابی مشغول بود، بدست حاکم شرع ارتجاعی کرمان بنا می فهمید به جوعا عدا میسره شد. شهادت معلم انقلابی و زحمتکش هم در دوره رژیم گذشته هم در دوره رژیم فعلی صورت امری عادی در آمده است. درگذشته صمد بهرنگی ها، رفعت افرا زها، حسن ابراری ها و محبوبه متحدین ها داشتیم و امروز کرجی بیانی ها و عزیزان ما ...  
رژیم جمهوری اسلامی با "میر غضب" هایی نظیر خلقالی و فهم کرمانی و جنتی و ما دیخوا و دیگران موفق به سرکوب جنبش انقلابی خلق نخواهد شد همانطور که رژیم گذشته نتواند و ما وظیفه داریم جبهه انقلابی گانی مانند رفیق شهید عزیزان را هر چه بیشتر به توده های خلق معرفی کنیم و ما سک آچهره های پیکار و وفاتلان آنها برکنیم. با بدنه توده ها نشان دهیم که این شهیدان تنها به "جرم" عشق به طبقه کارگر و دیگر زحمتکان، خون با کتان بر زمین ریخته میشود، خونی که تا نبودی امیرا لیس و عملش از جوشش نمی افتد.  
باید رفیق شهید محمدرسل عزیزان، در قلمب نام کرد انش و همه زحمتکان زنده است.

### باند بختیار...

جذب آنها به خورد راست، و با امکانات رادیوئی می - گوشتا توده های نا آکا دوگنده شده از رژیم حاکم را به طرف خود متمایل سازد و بدین ترتیب نقشه های خائفا نه خود را پیاده کند.  
در چنین شرایطی که خطر رخنه رو دیگر مزدوران آمریکا، همچنان با برجاست، بی انقلاب و مردم آگاه ایران است که ما هیت کثیف بخنیا را مثال او را هر چه گسترده تر افشا کرده و از فتنان توده ها بدام آنان جلوگیری کنیم. جنابا بختیار و در دوران کوتاهی که بعنوان "تخت وزیر شاه" - تحولات از منافع امیرا لیس آمریکا و خاندان سنگین پهلوی برداخت، هیچگاه فراموش نخواهد شد مردم آگاه و انقلابی ایران بدو - اینکه تر دیدی در ما هیت مزد می رژیم مذهبوری اسلامی داشته باشند، توطئه های خائفا نه بختیارها و امیرا لیا ن امیرا لیس تان را در هم خواهند شکست! توده های خلق ما برای آزادی و استقلال واقعی مبارزه میکنند. آنان میدانند که بدست آوردن این آزادی و استقلال در گرو مبارزه فاعطانه علیه رژیم مذهبوری اسلامی، با تدمزور بختیار و امیرا لیا ن و همه امیرا لیس - ها می باشد.  
نهر رژیم جمهوری اسلامی، نه باند بختیار و نه هیچ - یکه از امیرا لیس تان، آری هیچکدام از اینان مدافع منافع خلق ما نیستند، اینان دشمن توده های ستم - دیده ایران می باشد. مدافعین راستین خلق نیرو - های انقلابی راستین و کمونیستهای واقعی می باشد.  
★ ★ ★

### پوزش و تصحیح و تذکری لازم

● در پیکار ۶۱ همراه ما بنا چندتن از رفقای شهید که در اوزا محکوم به اعدام شدند، نام شخصی بنام منوچهر جعفری نیز آمده است. ما با اساسی اعلامی که از رفقای محل بدستمان رسیده بود از تحلیل کردیم ولی اطلاعات موثق بقدی نشان داد که اطلاع اولی درست نبوده و منوچهرها بسته آن نبوده است که از اسمان رفیق و شهیدتان مبرده شود. همچنین همانطور که در شماره قبیل نوشتیم عکس شخصی دیگری بجای منوچهر جعفری در شماره ۶۱ چاپ شده است. ما ضمن پوزش و تصحیح از رفقا و هواداران - ما را نهمیخوا هم که در صحت اطلاعاتی که برای ما مفرسندند بابت دقت را بعمل آورند چون ما به اعتماد دگراش آنان به کار تبلیغی خود دست میزنیم و بدیهی است خطای از این نوع که پیش آمده، هم به حسیت ما زمان انقلابی و کمونیستی ما ن لطمه میزند و هم مورد سو استفاده و انقلاب فرامیگیرد.  
● در همان شماره ۶۱ بطنی خبری از کردستان گفته شده که یکی از رفقای هوادار بنا ملایر ارای اعدام شده است که درست نیست. تا مبرده را بنیاز دستگیری آزاد کرده بودند ولی پس از مدتی مجدداً وارد دستگیر گردیدند و ما حواسا را آزادی او و کلیه زندانسان انقلابی و مبارز رژیم رژیم را مسئول جان لایلا مراد می دانیم. در اینجا هم از رفقا میخواهیم محبت احما را را ملی را با دقت و احسان مسئولیت انقلابی و کمونیستی مورد تا کید فرار دهند.





### جنبش کارگری و بحران رونیونیسم در لهستان

هفته گذشته ما شاهد جدگیری بیشتر و گسترش اعتصابات کارگری لهستان در شهرهای مختلف ایس کشور بودیم، اکنون دیگر برای هر کسی روشن شده است که واقعیتی ملموس در لهستان جریان دارد، واقعیتی که از شما طبقه کارگر تحت مناسبات سرمایه داری حاکم، ما هیت فدکا کارگری و بورژوازی حزب و دولت، رند و گسترش مبارزه بین طبقات و... حکایت میکند. مبارزه طبقاتی کارگران لهستان اگرچه پرستریک حرکت نسبتاً خودبخودی و بدون نقش مستقیم یک سازمان سیاسی انقلابی طبقه کارگر به مرحله تعارض با بورژوازی حاکم در این کشور کشیده شده است اما نباید فراموش کرد که حتی این حرکت خودبخودی در شکلهای اولیه خود نتوانسته است، پیوند آنچنان محکمی در بین طبقه کارگر لهستان و در نقاط مختلف آن کشور بوجود آورد که علیرغم تلاشی و توطئه آمیز دولت بورژوازی- رونیونیسمی بمنظور پراکنده ساختن و گسستن اتحاد و یکپارچگی کارگران، آنها همچنان صف متحد خود را حفظ نموده و اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواستههای طبقه کارگر لهستان دست از مبارزه و اعتصاب نخواهند کشید. نمونه سیاستهای تفرقه افکنانه موق الذکر رونیونیستها را میتوان در موافقت مقامات دولتی مبنی بر افزایش ۲۱۰۰ زلوتی (۷۰۰۰ ریال) به حقوق رانندگان اتوبوس و در مقابل، بازگشت آنها بر سر کار رجسترونموده که البته این پیشنهادها در مخالفت کارگران این بخش مواجعه شده و توافق جدال خواهانهای کل جنبش از طرف آنها رد شده است.

### رشد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و شکاف در بالا

بدون شک مبارزه طبقاتی طبقه کارگر در لهستان که اکنون بشكل اعتصابات گسترده و سراسری ادامه دارد، دارای پیامدهای بسیار مهمی است که نه صرفاً فقط نتیجه مبارزه کارگران لهستان بلکه به نفع تمام مبارزه طبقاتی در تمام جوامع طبقاتی میباشد. این پیامدها با حدت بحران اقتصادی از یک سو و رشد مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکاران از سوی دیگر به اشکال مختلف بروز می نماید. تغییر و تحولات اخیر در حزب بورژوازی رونیونیست حاکم لهستان نیز در حقیقت تأثیر بلاواسطه مبارزات طبقه کارگر در ایجاد شکاف بین

بورژوازی حاکم در لهستان محسوب میشود. برکناری "ژان بولاک" زدنترسیاسی و شورای مرکزی سندیکاها اخراج "ژوکا سوبیکا" شورسین رونیونیست از بوروی سیاسی و "تادوش" و "راسیک" از کمیته مرکزی و مهمتر از همه استعفای "ادوار با بوج" نخست وزیر لهستان، همه و همه نشان مینهند که حزب و دولت بورژوازی لهستان برای فریب کارگران و خلاص شدن از بحران موجود دست به چنین تغییراتی زده است و در واقع برای مقابله با جنبش طبقه کارگر از همان شیوه های رایج در کشورهای سرمایه داری یعنی تغییر با ترمیم کابینه... استفاده نموده است. با چنین اقداماتی رژیم میکوشد تا برای کارگران مبارز لهستان و آشودما زکوره اشاعه ملی بحران موجود در سیاستهای غلط کابینه و عواملی چند از دولت و حزب بوده است!

نکته قابل توجه اینکه تغییر و تحولات کاذب و صوری در حزب و دولت رونیونیست، بهیچوجه مورد استقبال کارگران لهستان قرار نگرفته است. چه به سبب کیفیت اعتصابات و تفوق جنبه های سیاسی آنها بر جنبه های اقتصادی شان و بلاایودن سطح آگاهی کارگران لهستان بخوبی بر ما هیت حزب و دولت رونیونیست، آگاهی داشته و میداند که این تغییرات بهیچوجه یک تحول بنیادین در سیاست و اقتصاد کشور نمیتواند باشد. بدانگونه که یکی از کارگران اظهار داشته است: "تحولات اخیر در مقامات دولتی بمنزله پیشرفت زیادی نیست به احتمال زیاد این تغییرات همانند درآوردن یک کت کهنه و پوشیدن یک کت نومی باشد."

### اتحاد کلیسا و رونیونیستها برای شکستن اعتصاب

بورژوازی - رونیونیستها، بدنبال تلاشهای مداوم در جهت به شکست کشاندن اعتصاب اکنون دست به دامان انقلاب شده و از آنها خواسته اند که با نطفه های رونیونیستی خود، اعتصابیون را به سرکار برگردانند این اولین بار نیست که بورژوازی برای تسکین و بخشیدن به حاکمیت خود و سرکوب جنبش کارگران و زحمتکاران وادامه اشعار آنها، به کلیسا متوسل شده است. تاریخ انقلابات در سراسر جهان نشان میدهد که در اثر دشمنی زده طبقاتی و خشن شدن انواع شیوه های سرکوب و فریب ستگران، بورژوازی، انقلابها، کشیشان و شخصتهای مذهبی را برای مقابله با جنبش طبقه کارگر و رهبری مبارزات انقلابی آنان بکار گرفته است. انقلابها و کشیشان با تکیه بر اعتقادات مذهبی توده ها برای آنان سخنرانی میکنند و نطفه های آتشین انجام میدهند، کارگران را از عقوبت ابدی اعتصاب و مبارزه منترسانند و موعظی بودن حاکمیت سرمایه داران و مرتجعین را توجیه مینمایند. حزب بورژوازی - رونیونیست لهستان نیز در زمانی که در استیمال قرار دارد برای مقابله با جنبش طبقه کارگر به استفاده از همین حربه دست زده است. اسقف کلیسای "گدانسک" در مراسم دعا در روز یکشنبه هفته گذشته به کارگران گفته است: "اعتصاب بنبغ شما و خانواده ها نماند، شما باید اعتصابات شما بحران موجود را گسترش میدوید و جو متشنج را خادسار میمازند! یا کار دینال" اسقفان و بیزسینسکی" (اسقف

اعظم لهستان) نیز در مباحثه ای گفته است: "اکثریت درخواستهای کارگران بحق میباشد ولی نباید متوقع انجام فوری آنان بود!" براساسی این تشابه چشمگیر بین سخنان اسقف اعظم لهستان با اندرزهای کشیشان کلیسای لهستان، امیربالیستی غرب از کجا ریشه میگیرد؟ آیا غیر از این است که بورژوازی در هر دو کشور برای فریب کارگران آنها را بصورتی دعوت میکند تا با تکیه بر اعتقادات مذهبی و تسخیر آنها و خاموش گردانیدن مبارزات آنان، بهره کشی از آنها را شدیدتر از پیش ادامه دهد؟ آیا با زهم میتوان در سرمایه داری میبیرسیم: سوسیالیسم مستقر در لهستان چگونه سوسیالیسم است که در آن رهبران "حزب متحد کارگران" برای نجات خود و مقابله با جنبش طبقه کارگر دست بردارند و کلیسا و مذهب گردیده اند؟ نه، این سوسیالیسم، سوسیالیسم دروغین است و سوسیالیستی و نمود کردن این کشور بورژوازی - رونیونیستی جز فریب طبقه کارگر چیز دیگر نمیتواند باشد.

### اعتصابات کارگری لهستان و امپریالیستهای غربی

از آغاز اعتصابات اخیر در لهستان، ما شاهد تبلیغات وسیعی در جهت تخطئه حقایق سوسیالیسم از جانب محافل و بلندگوهای امپریالیستهای غربی و دول ارتجاعی بوده و هستیم. این تبلیغات نه در جهت افشای ماهیت دولت بورژوازی لهستان، بلکه عمدتاً در این جهت بوده است که او نمودار زندان اعتصابات کارگری در لهستان، زائیده سوسیالیسم ناسیونالیستی از فشار سیاسی - اقتصادی رژیم "سوسیالیستی" و حاکمیت حزب و دولت با صلاح کمونیست لهستان بوده است. اینان که بدستی دشمن اصلی و عهده دار در وجود کمونیستها و آرمان والای آنها یعنی کمونیسم که همان آرمان طبقه کارگر و توده های زحمتکش است میبینند، با تبلیغات ارتجاعی خود میخواهند توده ها را از کمونیسم و کمونیستها بترسانند. میخواهند توده ها را از بدلولوژی رهائی بخش طبقه کارگر و توده ها، دور ساخته و بسزایر نامایندتا بحال خود، دست و پایشان را زحمتکاران را بنحوبهتری اعمال نمایند. از طرفی رونیونیستهای خائن به جراتی نیز چه در میهن ما و چه در سطح جهانی همدا با بلندگوهای امیربالیستی و براساس تئوری ضد خلقی سه جان از موضعی بغایت ارتجاعی و فدا انقلابی، برای کارگران لهستان با صلاح دل میسوزانند. با بدگفت این خائنین هدفی جز کشاندن طبقه کارگر لهستان بزیرویغ بهره کشی امپریالیستهای غربی ندارند، اینان که در دشمنی با سوسیالیسم و امپریالیسم روس، خلقهای جهان را به قربان گاه امپریالیستهای غربی بسوزانند امیربالیسم آمریکا فرا میخوانند، نمیتوانند ندانند ما و مدافعان طبقه کارگر لهستان نباشند.

اینکه امپریالیستهای آمریکا، در شیکاگو نظراتی در باب اصلاح حمایت از کارگران لهستان برپا میکنند! اینکه اتحادیه های باصلاح کارگری خدمتگزار امپریالیستها، در ژان این از کارگران لهستان اعلام پشتیبانی میکنند و با همچنین حمایت نمابندگان

## شوراهای وابسته ضد کارگری را افشا و طرد کنیم



# پیرامون فاجعه گچساران و تحریک‌نیروهای انقلابی



با یکدیگر عمد می کردند ولی تا آنجا که در توان داشتند نیروگذاشتند. فعالیت نیروهای انقلابی و رفقای ما شامل موارد زیر بود:

جمع آوری وسایل مورد نیاز از قبیل سیخ، دارو، پتو و غیره از خانه‌ها و ایستگاه محل حادثه، عده‌ای که موفق به تهیه وسیله نقلیه شدند خود را به محل حادثه رساندند. شرکت فعال و چشمگیر در خون‌ریسی به محرومین، نقض نیروهای انقلابی در این حادثه جدی‌بار و ارزنده بود که مردم را تحت تاثیر قرار داده بود و مرتب مورد تشویق قرار می‌گرفتند. از جمله قضایای مردم یکی هم این بود که: "این کمونیست‌ها که میگفتند آدم‌های خوبی نیستند، ببینید چطور خوششان می‌دهد و چطور به کمک می‌شناسند، پس کجا هستند آنها بی‌کس که دما از اسلام و مردم بی‌مستضعف می‌زدند، کمونیست‌ها که رود تراز آنها برای کمک آمده‌اند." و با اینکه "اینها واقعا طرفدار خلفان و خلقی است." به هر صورت مردم عینیت و در تجربه خوبی درک کردند و می‌کنند که کمونیست‌ها هستند که طرفداران واقعی مردم زحمتکش می‌باشند.

**معیین فر...**

بقیه از صفحه ۱۶

ملت مسلمان ایران! "الغب گرفته‌اند، از جه دلخوری دارد! از اینکه چرا رئیس، پرورژه‌ها خنما نهی ما واک را بدون نظار و ادعا تصویب کرده است و نگذاشته است آقای معین فر، خریدش اجرای پروژه‌ها خنما نهی‌های ما واک را تا به آخر دنبال کند و بسا زده! کوشم؟

به این سا واکتی مکتبی و حزب جمهوری اسلامی که او را کاندیدای نمایندگی مجلس کرد و نیز به شورای انقلاب "که" و عصبیت آنرا دارا بوده است با بدگفت: آقایان! مبارزات توده‌ها مجال "ترک‌سازی" چندانی بشما نخواهد داد!

روزیونیست‌ها، یعنی بر استقرار سوسیالیسم و ستاره دار - های آن!! در اروپای شرقی، ما بوضوح شاهد مبارزه طبقاتی حادی در این کشورها بوده‌ و هستیم. مبارزه طبقاتی ای که نه‌اشی از این با آن ناسازی در ساختمان با صلاح سوسیالیسم و روزیونیست‌ها، بلکه ناشی از استعمار طبقه کارگر تحت مناسبات سرمایه‌داری و حاکمیت روزیونیسم می‌باشد.

مادرشما را بعد موصوم‌کنی نیروهای سیاسی ایران را در مقابل وقایع اخیر لپستان بررسی خواهد کرد.

کمیته خوزستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در راه باطفا فاجعه انفجار در روستای "ده بزرگ" گچساران اعلامیه‌ای بنابرین ۵۹/۵/۳۰ منتشر کرده است که در زیر قسمتها می‌آید:

"سیستم سرمایه‌داری وابسته یکبار دیگر تعداد کثیری از زحمتکشان میهنمان را به مسلخ کشاند و خون پاکشان را در راه ادا ما غارت، چپاول و استعمار گری بر زمین ریخت. حادثه روستای "ده بزرگ" از توابع بخش "تاش" گچساران برای هزارمین بار این واقعت تاریخی را تکرار کرد که در نظام سرمایه‌داری آنجا که زحمتکشان اهمیت تروسی ارزش تراست زندگی و جان زحمتکشان و خلقهای محروم و مستعبد می‌باشد، و تنها چیزی که در مدنظر قرار داد اعتبار است از غارت و استعمار ریسند و کوب سود بالاتر."

در اعلامیه پس از شرح چگونگی ماجرا، سوال شده است:

"آیا حادثه انفجار در روستای "ده بزرگ" صرفاً یک رویداد اتفاقی بوده است؟

ما می‌پرسیم آیا مقامات وزارت راه از وجود این انبار در وسط یک روستا و در یک چنین شرایطی بی‌خبر بودند؟

ما می‌پرسیم آیا زاندار می، ارتش و سپاه پاسداران از وجود چنین انبار مرگباری اطلاع نداشتند؟ آیا سپاه پاسدارانی که وجود یک قیسه سلاح در نزد فردی انقلابی از نظرش پنهان نمی‌ماند بطوری که فرد مذکور را به آستانه اعدام می‌کشاند می‌تواند ادعا کند که از وجود این انبار در یک چنین شرایط خطرناکی بی‌اطلاع بوده است؟

مسلم است که وجود یک انبار مواد منفجره در یک چنین شرایطی که مرگ، تعداد زیادی از زحمتکشان را تهدید می‌کرد برای همه آنها حتی با اندازه سربک سوزن هم اهمیت نداشته است.

آبایی توجهی همه مقامات اداری و اجرایی، وجود یک انبار مواد منفجره، وجود روستایی که ساکنان زحمتکش آن در شرف خیزش، منطقه کشور در شرایطی فلاتک با ریزش کبر و سوا به آن زندگی میکنند، همه و همه را می‌توان اتفاقاتی دانست که جمع شده‌اند و منتظر جرقه‌ای از یک دستگام جوشکاری ما ندهند تا از آن یک فاجعه پدید آید؟

اعلامیه پس از افشای تاخیر و تعلل مقامات مسئول در کمک رسانی و جمع آوری اجساد و انتقال محرومین به فعالیت نیروهای انقلابی در این رابطه اشاره کرده، مینویسد:

"شرکت نیروهای انقلابی و از جمله هواداران سازمان ما در این جریان بسیار فعالانه و خوب بوده است. هر چند بین نیروها بدون سازماندهی مناسب و هماهنگی

جمهوری لیستی آلمان و فرانسه و رژیم رتجا عسری ایران از کارگران مبارز لپستان، در جهت حمایت و تقویت جنبش طبقه کارگر در لپستان نیست بلکه ایمن حمایت قلابی در جهت بی اعتبار ساختن سوسیالیسم و ترساندن توده‌ها از کمونیسم انجا می‌گیرد. اینها همه تلاشهای هستند که وحشت عمیق بورژوازی اوسوسا لیسم و کمونیسم را نشان می‌دهند. بر ما روشن است که دلسوزی!! امپریالیسم آمریکا برای کارگران لپستان نه بیسترب همبستگی زحمتکشان آمریکا با کارگران لپستان، بلکه بر بسترفادهای دیولوک امپریالیستی غرب و روسیه واقفان انجا می‌گیرد. امپریالیسم آمریکا با تکیه بر اعتبارات اخیر در لپستان سعی دارد بحران درونی خود را که ناشی از گزندگی نظام امپریالیستی است پنهان نگهدارد و او نمود ساد که هیچ اعتنایی در کشورهای سرمایه‌داری بوقوع نمی‌پیوندند. حال آنکه هم در کشورهای امپریالیستی غرب و هم در شوروی و سوسیال امپریالیستی کشورهای اروپای شرقی، بملیت وجود بحران سیاسی - اقتصادی که معلول سیستم موجود است، مبارزه طبقاتی با گرفته و جریان می‌یابد مبارزه طبقه کارگر لپستان علیه بورژوازی حاکم در آن نیز بسیار نگره‌مین واقعت است.

تردید نیست که در کشور بورژوازی - روزیونیستی لپستان، طرح برخی خواستهای راست روانه از جانب کارگران نمیتواند مورد حمایت برخی محافل و عناصر طرفدار سرمایه‌داری غرب قرار نگیرد و جلوه بارز این حمایت را میتوان در خواستن "آزادی مذهب" توسط کارگران لپستان جست. این محافل مذبوحانه می‌کوشند تا مبارزه کارگران را بفتح خود به تحریف بکشانند. اما نباید فراموش نمود که مبارزه طبقه کارگر لپستان در اساس خود اصل است و مبارزه ای بر د بورژوازی حاکم میباشد.

در شرایط حاکمیت بورژوازی و سیستم دیکتاتورنی وجود، خواستهای سیاسی کارگران یعنی بر آزادی بیان، آزادی مطبوعات، تشکیل اتحادیه‌های آزاد کارگری، حق اعتصاب و خواستهای اقتصادی آنها یعنی بر افزایش دستمزدها، کاهش قیمتها، بهبود بخشیدن به شرایط کار و... همه و همه ما هیت مترقیانه و انقلابی مبارزه طبقه کارگر لپستان را نشان میدهد. در لپستان سرمایه‌داری حاکم است و نه سوسیالیسم و به همین خاطر کارگران علیه سیستم حاکم مبارزه میکنند. مبارزه آنها "فدوسوسیالیسم" نیست بلکه بر علیه سیستم بهره‌کشی سرمایه‌داری میباشد. سیاستهای اقتصادی - اجتماعی بورژوازی حاکم و حاکمیت مناسبات سرمایه - داری در لپستان از یک سو و آگاهی کارگران بر علیه سوسیالیسم دروغین روزیونیست‌ها از سوی دیگر است که طبقه کارگر لپستان را به مبارزه ای این چنین علیه حزب و دولت کشانده است.

## جنبش طبقه کارگر لپستان و روزیونیست‌ها و دنباله روان آنها در ایران

از آغاز اعتبارات کارگری در لپستان، سازمانها و تشکلهای م. ل. ایران از جمله سازمان ما موضع مریح و روش خود را با اتکا بر جنبش ضد روزیونیستی و ضد سوسیال امپریالیستی خود، در قبال مبارزات کارگران لپستان اعلام نمودند. بدون شک تحلیل ما از اعتصابات اخیر جزئی از مبارزات ضد روزیونیستی ما میباشد. و حمایت و دفاع ما از مبارزات طبقه کارگر لپستان نیز

بدرستی در راه اشبات حقانیت ما رکیسم- لنینیسم انقلابی و پیشش ضد روزیونیستی کمونیست‌های راستین و در جهت حفظ پاکیزگی ما رکیسم- لنینیسم و افشا و طرفداری روزیونیسم و نتایج ناگزیر آن - که هم اکنون نمونه آن را در لپستان می‌بینیم - میباشد.

مبارزات طبقه کارگر لپستان بر علیه حزب و دولت بورژوازی حاکم است، خود میانه مناسباتی برای افشا و طرفداری روزیونیسم عمل کرده‌ای آن در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی فراهم آورده است، چرا که علیرغم ادعاهای



## معین فر: ساواکی مکتبی!

ما و بسیاری دیگر از نیروهای کمونیستی و انقلابی، از همان فردای فبا که معنی از سرما به دارا و کمانی که در گذشته با رژیم شاه همکار بودیم، در قدرت رسیدند. بشهادت نثرنا تمنا چه بیگانه رو چه تراکت و... در تهران و شهرستانها، آنها را برای توده ها افشا کردیم، مجله علی اکبر معین فر سرپرست سابق سازمان برنا میوه بودجه (در دولت بازرگان) و وزیر فعلی نفت را مورد افشاکاری قرار دادیم. نشان تاچ را که از طرف شاه دریا فت و همکارش با ساواک بعنوان مهندس ناظر ساختمانها و کنجدهکا هبای ساواک را با چاپ سدا افشا نمودیم (تراکت شماره ۵۹ مورخه ۲۵/۲/۵۹). دولت موقت با بزرگان و شورای انقلاب پستی و بنی مدرو روزنامه های جمهوری اسلامی و... کوچکترین توجیهی به این افشاکاریها و مدعاها سدی که خودشان در دست داشتند، نکردند (و البته بنا به ما هشتان نمینوا نشتند، کنند) و کمونیستها و نیروهای انقلابی افشاکنده را "کافرو منافق و ضدانقلاب و امریکائی و..." خواندند، و لسی خالایس از "خراسی بصره" همان افشاکاریها در "مجلس شورای اسلامی" مطرح و خودموتلا اعتبارنامه معین فر بهمان دلایل زیر سوال بیروید.

اما اینجانب برخلاف موردی که برای مدتی پیش آمد معین فر زیر جرح و جرمات حزب خاک قرار میگیرد و "ساواکی مکتبی" از آب در میآید. قبلانست علی محمدیاش رسی ساواکی خاش و توطئه گری که با اصطلاح نماینده مردم جهرم در مجلس است با عسکرا ولادی و بسیاری دیگر که ما در خدمت خود دیده از چهره خیا ننگران برداشته ایم با پشتوانه حزب خاک، اعتبارنامه شان تصویب شد. تازه چه باک؟ مگر از قدم نگفته اند؛ بلکه دیک بلسله چغندر؟! "

نکنه جالب اینکه آقای معین فر در دفاع از اعتبارنامه خود در مجلس، ضمن اینکه افشاکاری علیه خودش را سه درستی به نیروهای کمونیستی منجمله سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر نسبت میدهد، کارگران مبارز صنعت نفت را هم که به سنا دیده همان اسناد مشابه آن، به او اعتراض کرده و خواستار اخراج او از وزارت نفت شده اند. اصلاح مورد حمله قرار میدهد (اطلاعات ۳ شهریور) و آنها را "جنشی" (هو دادارها حدین) میخوانند. او در دفاع از اینکه مهندس ناظر ساختمانهای ساواک (بخان کنجدهکاها) بوده است میگوید:

"در مورد ساختمان ساواک من بعنوان ناظر در رابطه با مسئولیتی که داشتم پروژه را بررسی کردم ولی بعد از اینکه فرا رسیدن نقشه را بررسی کنیم دیدم که عین پروژه بدون نظرم از طرف رئیس مربوطه امضاء و تصویب شده است و بسیاری دیگر از مسئولان مسئولیت بدنام ساختمان چه توجیهی داشته اند."

آیا میدان آقای معین فر، این نماینده مجلس شورای اسلامی که جمعا با همکارش، "عماره فضیلت"

## آثرامی باد دوازدهمین سالگرد شهادت رفیق صمد بهرنگی، معلم و نویسنده انقلابی زحمتکش

"مرگ خلی آمان منوا ندالان سراج من میا بد؛ اما من نامیتوانم زندگی کنم بنا بدیه بیجا زمرک بروم، البته اکریک و فنی تا جارا مرکز روبرو ندیم - که می تومم مهم نیست مهم است که زندگی ما مرکز من جاشتری در زندگی دیگران داشته باشد..." (ماهی سیاه کوچولو)



## باند بختیار - اشرف - اوپسی همچنان توطئه می کنند

امیرالیم آمریکا پس از کشف و سرکوب توطئه کودتای امیرالیم بختیار - سیا و علنی شدن روابط پنهانی وی با مزدورانی چون بالیزرسان و اوپسی، به توطئه های ضد انقلابی خود با دوستان سرخسیده است. ملاقات بختیار با اشرف و اوپسی که در آخر سر، روزهای مردادماه درباری صورت گرفت گوشه ای از این توطئه ها است. این مزدوران خود فروخته با امکانات وسیعی که امیرالیم آمریکا و متحدان اروپائی اش در اختیار آنها گذاشته اند، خواب حکومت مجدد بر ایران را می بینند، اگر پیش از این بختیار و همکاران داخلی اش همچون جبهه ورتکنگتسه اصطلاح ملی کوشش و فوری در پنهان کردن ارتباطات خود با جلادانی چون اوپسی و بالیزرسان داشتند، اکنون

که همه چیز از سرده بیرون افتاده، آشکارا با اشرف و جلادان با شده به مذاکره می نشینند، و از طرف دیگر عوامل داخلی آنها نیز به درون حکومت و ارتش وجه در بیرون آزان، با استفاده از رفاقتی توده ها که به علت ساستهای ضد مردمی جمهوری اسلامی بطور روز افزونی اوج میگردد، شبکه های ضد انقلابی خود را گسترش می بخشد.

اکنون در بسیاری از شهرهای ایران، طرفداران بختیار با صراحت از طرفداری میکنند و آرزوی بازگشت او را دارند. با وجود اینکه کمتر کسی است که از اهمیت بلند بختیار و همکارانک ما هاش همچون اوپسی ما بالیزرسانها و مدنی ها می اطلاع بماند، با وجود اینکه خیانت آشکار بختیار و سنا او با سنا برای حفظ سلطنت، سرکشی پوشیده نیست و با وجود اینکه "سی - اختیار بدون این نوکر جیره خوار آمریکا برهنگان روشن است، آری با وجود همه اینها بختیار آرزوی حکومت بر ایران را در سر می پروراند! این امر چگونه میتوان توضیح داد؟

و اقیعت آنست که هبای خاک که جمهوری اسلامی (با همه درگیریهای که بین جناحها پیش وجود دارد)، بدلیل ما هیت ضد مکرراتیک و ضد مردمی اش و مجموعه سیاستهای ارتجاعی و عقب مانده اش توده ها را از خود میزاند، آری در واقع عملکرد این رژیم عامل عمده تقویت با بگا بختیار است.

توده ها می که تحقق آمال و آرزوهای خود را در خاکمیت رژیم جمهوری اسلامی میدهند و از این رو فعالانه پشتیبانی اش میکنند، اکنون رفته رفته در می با بند که حکومت جمهوری اسلامی برای با بختیاری به خواستهایشان را ندارد و دارای ما هیتی ارتجاعی است و چنین است که آزان رویگردان میشوند و بخشی از آنان بغلت فقدان آگاهی لازم خود فروختگانسی چون بختیار را می بینند. مناسقا نه ما بدگفت آزانجا که هنوز در جامعه ما بگفت قدرتمند انقلابی ننگسل نکرده و ننگلنهای انقلابی و کمونیستی موجود علیه رژیم رتده های نسبی، هنوز قادر به جذب، تسخیر و سازمان رتده های نسبی، دهی این روی برنا فتگان از قدرت خاکم شده اند. لذا با بند بختیار را بر خورد آری از پشتوانه وسیع آریا بان امیرالیم است، از امکانات بختیاری

چهارمین روز  
شهادت  
۱۰ شهریور

رفیق تقی شهرام  
را در بهشت زهرا، قطعه ۴۱ ساعت ۵ تا ۷ عصر  
گرامسی می داریم

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
شهریور ۵۹  
بغیبه در صفحه ۱۵

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست